

واکاوی ریشه‌های تاریخی رقابت و جنگ روس‌ها و اروپایی‌ها در ۱۰ قرن گذشته
به بهانه طولانی شدن نبرد اخیر مسکو و کی‌یف

امتداد هزاره بیگانگی میان روسیه و اروپا

۵



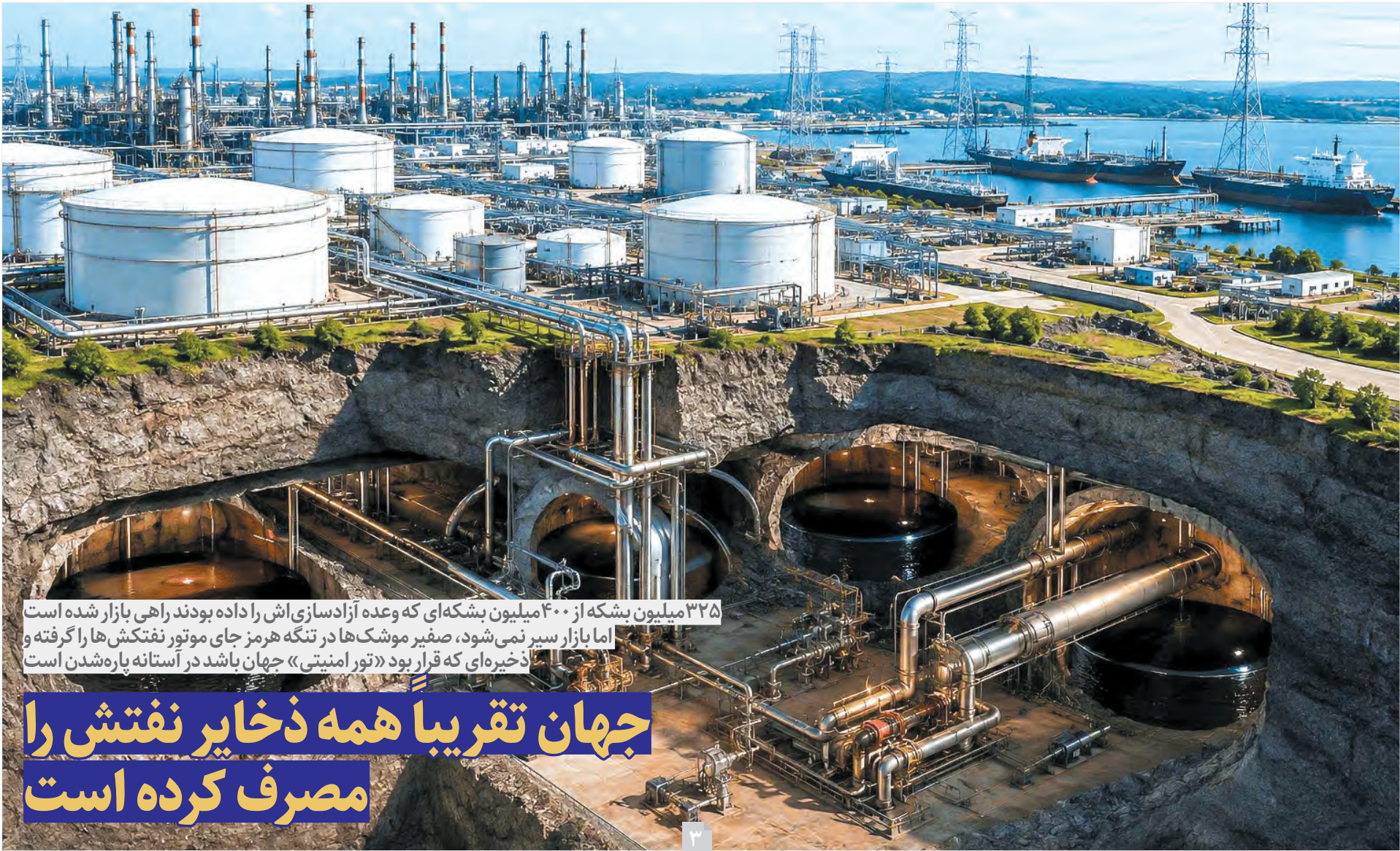
گفت‌وگو با علی فروتن؛ تصویری آشنا از
صبح‌های جمعه و خاطرات کودکی نسل‌های
مختلف به بهانه روز جهانی کودک

برای من
خوشحالی
بچه‌ها
مهم است

۴

WWW.QUDSONLINE.IR

پنجشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۵ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | اکتبر ۲۰۲۶ | سال سی و نهم | شماره ۱۱۰۴۶ | صفحه ۱ | قیمت ۱۵۰۰۰ تومان



۳۲۵ میلیون بشکه از ۴۰۰ میلیون بشکه‌ای که وعده آزادسازی‌اش را داده بودند راهی بازار شده است اما بازار سیر نمی‌شود، صفیر موشک‌ها در تنگه هرمز جای موتور نفتکش‌ها را گرفته و ذخیره‌ای که قرار بود «تور امنیتی» جهان باشد در آستانه پاره‌شدن است

جهان تقریباً همه ذخایر نفتش را
مصرف کرده است

۳

تولیت آستان قدس رضوی در مراسمی
با حضور خانواده شهدای عشایر کشور
در حرم مطهر امام رضا(ع):

عشایر در صیانت از امنیت
و تمامیت ارضی کشور و
اقتصاد، سرآمد هستند

۸

با ۴۰/۴ درصد، کشورمان جایگاه دوم
صادرات پیهاد جهان را در اختیار دارد
ایران، غول پیهادی جهان

۲

روایت جوان اصفهانی از تبدیل
یک دغدغه محیط‌زیستی به تولید
«کمپوست‌ساز خانگی»

زباله‌ها باید دوباره
به خاک برگردند

۶

یادداشت

میراحمد رضا مشرف

امنیت مرز سیستان و
بلوچستان، قربانی
سهل‌انگاری پاکستان



۲

آگهی مناقصه خرید منبع ۱۲ هزار لیتری

سازمان موقوفات ملک آستان قدس رضوی در نظر دارد خرید منبع ۱۲ هزار لیتری
بهمراه بوستر پمپ های پروژه پانسیون پزشکان بیمارستان سجادیه شهرستان تربت
جام خود را از طریق برگزاری مناقصه خریداری نماید . لذا از کلیه تامین کنندگان حقیقی
و حقوقی دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه و جزئیات بیشتر به آدرس سایت
<http://tender.bonyadrazavi.ir> قسمت معاملات (مناقصات) مراجعه نمایند، مهلت
ارائه پیشنهادات تا ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱ و جلسه بازگشایی
پاکات نیز همان روز خواهد بود. جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۵۱۳۸۴۰۳۵۴۵
داخلی ۱۶۰۱ تماس حاصل و یا به آدرس: مشهد احمدآباد بلوار بعثت، بین خیابان رضا
و طالقانی پلاک ۵۰ مراجعه فرمایید.

آستان قدس رضوی – سازمان موقوفات ملک

آگهی مناقصه خرید و اجرای فنس کشی و دیوار کشی محیط نیروگاه خورشیدی

سازمان موقوفات ملک آستان قدس رضوی در نظر دارد خرید و اجرای فنس کشی
و دیوار کشی محیط نیروگاه خورشیدی خود واقع در شهرستان فریمان به طول ۲۷۰
متر را از طریق برگزاری مناقصه تامین نماید . لذا از کلیه تامین کنندگان حقیقی
و حقوقی دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه و جزئیات بیشتر به آدرس
سایت <http://tender.bonyadrazavi.ir> قسمت معاملات (مناقصات) مراجعه
نمایند، مهلت ارائه پیشنهادات تا ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۱
و جلسه بازگشایی پاکات نیز همان روز خواهد بود. جهت کسب اطلاعات بیشتر با
تلفن ۰۵۱۳۸۴۰۳۵۴۵ داخلی ۱۶۰۱ تماس حاصل و یا به آدرس: مشهد احمدآباد بلوار
بعثت، بین خیابان رضا و طالقانی پلاک ۵۰ مراجعه فرمایید.

آستان قدس رضوی – سازمان موقوفات ملک

« آگهی فراخوان عمومی شناسایی پیمانکار»

آستان قدس رضوی در نظر دارد نسبت به شناسایی، ارزیابی و تعیین اولویت
پیمانکاران حقوقی واجد شرایط در زمینه «برونسپاری پروژه ی توسعه و نوسازی زیرساخت
هوش تجاری و بصری سازی پایگاه های داده آستان قدس رضوی در سال ۱۴۰۵» اقدام نماید.
متقاضیان محترم جهت مشاهده شرایط و دریافت اسناد مربوطه تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۶ به سایت
dev.razavi.ir مراجعه نمایند. شماره تماس ۰۵۱-۳۲۰۰۱۷۰۳ و ۰۵۱-۳۲۰۰۱۷۰۳

مدیریت پشتیبانی آستان قدس رضوی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

شرکت سهامی عام جوش واکسیژن ایران برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
ثبت شده شماره ۷۳۰۳ شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۳۱۰۵۶

الف) زمان ومحل برگزاری مجمع عادی به طور فوق العاده

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت سهامی عام جوش و اکسیژن ایران دعوت
میشود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده این شرکت که در ساعت ۰۹:۰۰
صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ در محل اصلی شرکت واقع در مشهد ، امیریه،
کوچه (الکترودرضا)، بزرگراه پیامبراعظم، پلاک ۰ ، تلفن ۰۳۶۵۱۶۵۵۱۳، طبقه همکف و
آدرس های آنلاین <https://rubika.ir/page/Electrodereza> و
<https://www.instagram.com/jvoc.co?stkn=engzMXk۵YjFtZ۲۰۴>

تشکیل میگردد حضوربهم رسانند.

ب) دستورجلسه

۱- استماع گزارش هیئت مدیره برای عملکردمنتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای عملکرد منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۳- رسیدگی و تصویب ترازنامه ،حساب سود و زیان برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
۴- تعیین حسابرس و بازرس قانونی برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۵/۱۲/۲۹
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۶- انتخاب اعضای هیئت مدیره
۷- سایرموارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد
از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی ایشان که تمایل به حضور در جلسه مجمع
را دارند می‌توانند قبل از شروع مجمع و با ارائه اصل معرفی‌نامه به همراه کارت ملی
نسبت به دریافت برگه ورود به مجمع اقدام نمایند.

هیئت مدیره شرکت سهامی عام جوش واکسیژن ایران (الکترودرضا)

« آگهی مناقصه عمومی خرید حیوانات و شکر بسته بندی»

آستان قدس رضوی در نظر دارد نسبت به خرید حیوانات و شکر بسته بندی
مورد نیاز خود از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. متقاضیان محترم می‌توانند جهت
مشاهده شرایط و دریافت اسناد به سایت dev.razavi.ir مراجعه نمایند . ضمناً آخرین
مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه ساعت ۱۳:۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۸ می‌باشد .
شماره تماس : ۰۵۱-۳۲۰۰۱۴۲۰ و ۰۵۱-۱۵۱۹ و ۳۲۰۰۰۵۱

مدیریت پشتیبانی آستان قدس رضوی

مناقصه آرماتوربندی ، قالب بندی و بتن ریزی

شرکت مسکن و عمران قدس رضوی در نظر دارد اجرای آرماتوربندی،
قالب بندی و بتن ریزی پروژه مترو گلپه‌ار مشهد را از طریق مناقصه
عمومی به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید .

دریافت اسناد : www.omqo.com

تماس با آقای مهندس دباغی ۰۹۱۵۴۰۰۸۹۶۷

مزایده عمومی اجاره ۱۲ واحد کارگاهی در شهرک مشاغل فنی یک

کارشناسی سالیانه به ازای هر ملک است که می‌تواند به صورت واریز به حساب
شماره ۲۰۹۱۵۲۰۰۷۱ بانک تجارت شهرداری یزد یا به صورت ضمانت نامه بانکی
(با اعتبار سه ماه) در وجه حساب مذکور و یا به صورت اوراق مشارکت بی نام باشد.
اطلاعات مورد نیاز دستگاه : شهرداری یزد به شناسه ملی: ۱۴۰۰۰۲۹۹۹۸۷
یزد - میدان آزادی - ابتدای خیابان شهید مطهری (ره) کد پستی: ۸۹۱۷۶۹۸۶۳۹
متقاضیان می‌توانند برای بازدید از محل، به سازمان ساماندهی مشاغل و
فرآورده های کشاورزی شهرداری یزد - بلوار فردوسی - جنب شهرداری منطقه سه
مراجعه و یا در اوقات اداری، از ساعت ۸ الی ۱۳ با شماره های ۰۹۱۳۷۷۷۳۸۳۴ و
۰۳۳۱۳۵۹۰۷ - ۳۳۱۳۵۹۰۷ تماس حاصل نمایند.(ش.ا.د : ۴۱۰۳)

شناسه آگهی ۲۲۹۶۸۵۸

مدیریت ارتباطات و امور بین الملل شهرداری یزد

مزایده عمومی «واگذاری دستگاه سانترال اریکسون»

آستان قدس رضوی در نظر دارد درخصوص «واگذاری دستگاه
سانترال اریکسون» از طریق مزایده عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان محترم
می‌توانند اسناد مربوطه را از تارنمای dev.razavi.ir بخش مناقصات و مزایدات
و یا در ساعات اداری با مراجعه حضوری به آدرس : مشهد مقدس - خیابان نواب
صفوی- نبش نواب صفوی ۲ - مجموعه اداری حرم مطهر، طبقه دوم - اداره
تدارکات حرم مطهر بخش قراردادها، دریافت نمایند و حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰
روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۳ نسبت به تحویل پیشنهادات تکمیل شده و
مدارک مطابق شرایط اعلام شده اقدام نمایند.
شماره های تماس ۰۵۱۳۲۰۰۹۹۲۷ و ۰۵۱۳۲۰۰۹۹۲۷

معاونت اداری و پشتیبانی حرم مطهر رضوی

پذیرش ۳۷۰۸۸ آگهی



شهرداری یزد در نظر دارد مزایده عمومی اجاره ۱۲ واحد کارگاهی در شهرک
مشاغل فنی یک را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
لذا افراد واجد شرایط در صورت تمایل می‌توانند در مزایده مذکور شرکت و نرخ
پیشنهادی خود را اعلام نمایند. تمامی مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل
اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی
دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان : ۱۴۰۵/۰۷/۱۶

مهلت دریافت اسناد فراخوان : ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۴۰۵/۰۸/۰۹ زمان بازگشایی پاکت ها : ۱۴۰۵/۰۸/۱۰

مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:

مبلغ سپرده یا ضمانت شرکت در مزایده به میزان ۱۰ (ده) درصد کل قیمت پایه

خبر

عیادت نمایندگان رهبر معظم انقلاب از آیت‌الله العظمی نوری همدانی

حجج اسلام والمسلمین رحیمیان، محمدی عراقی، محمدیان و حاج علی اکبری، دیروز با حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران، ضمن ابلاغ سلام‌رهبر معظم انقلاب اسلامی به حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی، از مراجع عظام تقلید، در جریان آخرین روند درمانی و معالجه ایشان قرار گرفتند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، نمایندگان رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنین با آرزوی سلامتی هرچه زودتر آیت‌الله العظمی نوری همدانی اظهار امیدواری کردند حوزه‌های علمیه به‌زودی بار دیگر از فضاثل علم این مرجع بزرگوار بهره‌مندشوند.



یادداشت

حسین محمدی اصل

ترامپ و خیال باز کردن گره سیاسی با چنگ و دندان!

آنچه امروز در غرب آسیا جریان دارد، صرفاً جابه‌جایی نظامی یا نمایش قدرت نیست؛ بلکه نشانه‌نوردی وروند تقابل ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی به مرحله‌ای سرنوشت‌ساز است. برنامه استقرار سه ناو هواپیمابر در اطراف ایران (جورج واشنگتن، جورج بوش و یواس اس تنودور روزولت)، تهدیدهای علنی واشنگتن و تل آویوو همزمانی این تحولات با بن‌بست مذاکرات، احتمال بالا گرفتن مناقشه را به یکی از مهترین متغیرهای امنیتی منطقه تبدیل کرده‌است. گزارش‌های اخیر از نگرانی تهران درباره احتمال حملات جدید حکایت دارند؛ نگرانی‌ای که در بستر جنگ آغاز شده در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ و فروپاشی آتش‌بس ژوئن، محتایای فراتر از هشدار مقطعی می‌یابد. پرسش اصلی این است چرا با وجود هزینه‌های سنگین تقابل نظامی، بار دیگر گزینه جنگ در محاسبات واشنگتن و تل آویوبرجسته شده است؟ پاسخ در تلاقی سه مؤلفه نهفته است: بن‌بست راهبردی، فرسایش ابزارهای فشار و تلاش برای تغییر معادله از طریق تهدید نظامی. البته افزایش آرایش نظامی به‌تنهایی نه‌اثبات تصمیم قطعی برای جنگ است و نه لزوماً نشانه درماندگی؛ می‌تواند هم ابزار فشار باشد و هم مقدمه عملیاتی رویارویی تازه. آرایش نظامی آمریکا در کنار تهدیدهای ترامپ و مواضع تهاجمی مقامات اسرائیلی، پیامی روشن دارد؛ واشنگتن می‌خواهد گزینه نظامی را به عاملی مؤثر در محاسبات تهران تبدیل کند. استقرار نیروهای دریایی و افزایش آمادگی عملیاتی می‌تواند چند هدف را همزمان دنبال کند که شامل افزایش فشار، تقویت موقعیت چانه‌زنی، اطمینان بخشی به متحدان منطقه‌ای و امکان واکنش سریع در صورت شکست دیپلماسی است.

اما نمایش قدرت الزاماً به معنای برخورداری از راهبردی روشن برای پایان جنگ نیست. تجربه نشان داده توانایی آغاز جنگ با توانایی کنترل دامنه پیامدهای آن تفاوتی بنیادین دارد. قدرت نظامی ممکن است امکان وارد کردن ضربه را فراهم کند، ولی تضمینی برای تحقق اهداف سیاسی پس از آن نیست. هرگونه اقدام نظامی علیه ایران با این واقعیت مواجه است که پیامدهای جنگ به محدوده هدف اولیه محدود نخواهد ماند؛ گستره منافع آمریکا، امنیت متحدانش، مسیرهای انتقال انرژی و حساسیت اقتصاد جهانی به تحولات خلیج فارس، همگی در محاسبات دخیل اند.

اظهارات ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶، از جمله تهدید به نابودی جمهوری اسلامی در صورت نرسیدن به توافق، نشان داد تقابل با ایران همچنان محوری است. این هم‌زمانی تهدید و سخن از توافق، تناقض مهمی را آشکار می‌کند: واشنگتن از یک‌سومی خواهد با فشار، تهران را به پذیرش شروط خود وادار کند و از سوی دیگر به توافقی نیاز دارد که هزینه‌های ادامه جنگ را کاهش دهد. باید میان قدرت اعمال فشار و توان تحمیل نتیجه مطلوب تمایز قائل شد. در سوی دیگر، رژیم صهیونیستی قرار دارد که تهدید ایران را محور سیاست امنیتی خود تعریف کرده است. اظهارات نتانیاهو درباره پایان نیافتن کامل جنگ نشان می‌دهد از نگاه تل آویوو، پایان درگیری نظامی لزوماً به معنای پایان مناقشه راهبردی نیست. هرگونه عملیات گسترده علیه ایران نه‌تنها به ظرفیت‌های نظامی، بلکه به پشتیبانی سیاسی، لجستیکی و دفاعی آمریکا نیاز خواهد داشت. ایران طی سال‌های گذشته تلاش کرده معادله امنیتی خود را به سمت بازدارندگی فعال تر سوق دهد. توسعه توان موشکی، تقویت پدافند و گسترش دانش دفاعی بومی از جمله این مؤلفه‌هاست. سخنگوی سپاه، سرتیپ دوم پاسدار حسین محبی، در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ هشدار داد هرگونه تجاوز دوباره می‌تواند به گسترش جغرافیای جنگ و تغییر اهداف پاسخ ایران منجر شود. اما بازدارندگی را نباید با مصونیت از آسیب یکسان دانست؛ بازدارندگی مؤثر به اعتبار تهدید، توان استمرار دفاع و مدیریت هوشمندانه بحران وابسته است.

تنگه‌هرمز جایگاهی فراتر از گذرگاه دریایی دارد و در هر سناریو تشدید تنش، متغیری امنیتی و اقتصادی تعیین‌کننده است. هرگونه بحران در این آبراه می‌تواند به افزایش قیمت انرژی، اختلال در زنجیره تأمین و تشدید فشارهای اقتصادی منجر شود. سخنرانی مسعود پزشکیان در ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۶ در مجمع عمومی، ضمن تأکید بر حق دفاع و عدم تسلیم در برابر فشار، آمادگی گفت‌وگو را نیز اعلام کرد. گزارش‌های تماس‌های غیرمستقیم از طریق میانی‌جی‌هایی مانند قطر نشان می‌دهد کاتال‌های دیپلماتیک همچنان بخشی از معادله‌اند. با توجه به نکات گفته شده درباره آینده منطقه سه سناریو کلی قابل تصور است؛ تداوم فشار نظامی و اقتصادی آمریکا بدون جنگ گسترده، وقوع حملات محدود و پاسخ‌های متقابل و گسترش جنگ به سطح منطقه‌ای و فرسایشی. تعیین اینکه کدام مسیر تحقق یابد، به تصمیم‌های سیاسی، تحولات میدانی و میزان تحمل هر پهنه‌ها بستگی دارد. نه می‌توان هر تحرک نظامی آمریکا را نشانه قطعی جنگ دانست و نه با اتکا به بازدارندگی، خطر درگیری را منتفی تلقی کرد. راهبر ایران باید بر حفظ آمادگی دفاعی، تقویت بازدارندگی معتبر، انسجام ملی و جلوگیری از خطای محاسباتی استوار باشد. قدرت راهبردی صرفاً در توان وارد کردن ضربه خلاصه نمی‌شود؛ در توان جلوگیری از تحمیل جنگ و مدیریت پیامدهای بحران نیز معنا پیدا می‌کند. تهدید نظامی، حتی در بالاترین سطح، نمی‌تواند جایگزین راه‌حل سیاسی پایدار شود. ایران خوانان جنگ نیست؛ اما دفاع از حاکمیت و امنیت ملی خود را نیز قابل معامله نمی‌داند.

در روز ۲۲۰ جنگ، دوجبهه دریایی منطقه از خلیج فارس تا دریای سرخ وضعیت مشابهی دارند

انصارالله در برابر ائتلاف سه‌گانه



است؛ اما انصارالله هنوز با قدرت در میدان حضور دارد.

۳ قدرت، یک جنگ پیچیده

فعال شدن پیمان مکه مهم‌ترین تغییر ساختاری جبهه‌یمن است. ترکیه دیروز رسماً ارائه تجهیزات نظامی، اطلاعات، اپراتورهای پهپادی، پدافند هوایی و پشتیبانی لجستیکی به عربستان را آغاز کرد؛ هرچند توافق هنوز در پارلمان ترکیه تصویب نهایی نشده و آنکارا نقش خود را «فنی و دفاعی» توصیف می‌کند. پاکستان نیز پیش‌تر تأیید کرده بود نیروهایش در مأموریت‌های شناسایی و پشتیبانی مشارکت دارند.

بنابراین برای نخستین بار، سه قدرت مهم منطقه‌ای (عربستان، ترکیه و پاکستان) در یک چارچوب امنیتی

مشترک در برابر حملات انصارالله فعال شده‌اند. اما تفاوت مهمی وجود دارد؛ ریاض در حال جنگ است ولی آنکارا و اسلام‌آباد هنوز پشت مرز ورود مستقیم به جنگ ایستاده‌اند. این محدودیت، اتفاقی نیست. هر دو کشور می‌خواهند اعتبار پیمان را حفظ کنند، بی‌آنکه در جنگی طولانی و نامطمئن در یمن گرفتار شوند.

■ حمله پیش‌رفته، اما تعیین‌کننده نشده

عملیات «فجر یمن» که نام ائتلاف عربستان علیه انصارالله است، توانسته ابتکار یک طرفه‌ای را که انصارالله در هفته‌های گذشته در ساحل غربی بدست آورده بود، تاحدی متوقف کند. نیروهای دولت یمن اکنون در الواعیه و جبل حبشی برای تصرف ارتفاعاتی می‌جنگند که بر مسیرهای

با ۴۰/۴ درصد، کشورمان جایگاه دوم صادرات پهپاد جهان را در اختیار دارد

ایران، غول پهپادی جهان

کاهش یافت. در مقابل، صادرات ایران در همین بازه روندی متفاوت داشت. ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۷۳۵ فروند پهپاد صادر کرد و این رقم در سال ۲۰۲۳ به ۲ هزار و ۳۱ فروند و در سال ۲۰۲۴ به ۲ هزار و ۳۲ فروند رسید. در سال ۲۰۲۵ نیز ۲ هزار و ۲ فروند پهپاد نظامی از ایران صادر شد؛ رقمی که ایران را به بزرگ‌ترین صادرکننده پهپاد نظامی جهان در آن سال تبدیل کرد.

افزایش توان تولید پهپاد در ایران در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی نیز یکی از عواملی است که

در گزارش SIPRI مورد توجه قرار گرفته است. صنعت

پهپادی ایران طی سال‌های گذشته در واکنش به

محدودیت دسترسی به برخی تجهیزات و تسلیحات

خارجی، توسعه یافته و به یکی از بخش‌های مهم صنایع

دفاعی این کشور تبدیل شده است.



بخشیدن به وضعیت امنیتی در مناطق مرزی میان دو کشور به چند نکته مهم می‌توان اشاره کرد. **الف) ناآرامی سازوکارها و ترتیبات امنیتی مشترک میان دو کشور:** تهران و اسلام‌آباد در سال ۱۳۹۳ موافقت‌نامه همکاری امنیتی مشترکی را امضا کرده‌اند که براساس آن هر دو طرف نسبت به مقابله با هرگونه فعالیتی که امنیت ملی هر یک از آن‌ها را تهدید کند، متعهد شده‌اند. (ماده) علاوه بر این، در چارچوب توافق نامه مذکور، کارگروه مشترک امنیتی میان دو کشور تشکیل شد که تاکنون این کارگروه مشترک بیش از ۱۰ نشست در تهران یا اسلام‌آباد برگزار کرده‌است. اما اینکه چرا این ترتیبات طی بیش از یک دهه، کارآمدی‌ای از خود نشان نداده، جای تأمل دارد. احتمالاً بخش مهمی از این ناکارآمدی به شرایط سیاسی و امنیتی داخل پاکستان بازمی‌گردد؛ در جایی که گرفتاری دولت اسلام‌آباد با چالش‌های متعدد و چندبعدی امنیتی در داخل (از گروه‌های مسلح افراط‌گرا همچون تی‌تی‌پی گرفته تا اعتراضات اپوزیسیون سیاسی) مانع عمده‌ای بر سر راه اجرای تعهداتش در قبال امنیت مرزی با ایران ایجاد کرده‌است. در حال حاضر باید سرگرمی پاکستان و در ترتیبات امنیت‌فرامی و منطقه‌ای همچون پیمان مکه رانیز بیفزاییم. پاکستان در شرایطی نسبت به مداخلات امنیتی در منطقه و کمک امنیتی و نظامی به کشورهای همچون عربستان تعهد داده که هنوز نتوانسته برای

چالش‌های خود در داخل یا اجرای تعهدات امنیتی‌اش در قبال همسایگان گام‌های مؤثری بردارد. **ب) ددوم چالش پاکستان با افغانستان و پیامدهای آن برای ایران:** برخلاف تصورات و پیش‌بینی‌های اولیه، بازگشت طالبان به قدرت نه تنها نتوانست به رفع چالش‌های پایدار میان پاکستان و افغانستان کمک کند، بلکه به دامنه تنش‌های میان دو طرف نیز افزود. این موضوع برای امنیت ایران نیز پیامدهایی داشته‌است. در وهله نخست، یک‌بار دیگر به صف‌بندی‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای بر سر افغانستان دامن زده است، کما اینکه شاهد هستیم نشست اخیر فرمت مسکو بدون دستیابی به هیچ‌گونه توافق و صدور بیانیه پایانی و در شرایط اختلاف‌نظر کشورهای منطقه به کار خود پایان می‌دهد. چنین فضایی ممکن است بستر مناسبی برای از سرگیری و گسترش رقابت‌ها و منازعات نیابتی نیز ایجاد کند، چنان که پاکستان، طالبان را به حمایت از تحریک طالبان پاکستان و در عوض، طالبان هم اسلام‌آباد را به حمایت از داعش خراسان و زمینه‌سازی برای استقرار این گروه در بلوچستان و پاکستان متهم می‌کند. صرف نظر از اینکه افزایش تحرکات داعش در بلوچستان تا چه حد به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پاکستان مرتبط است، نفس این حضور، اثرات خود را بر امنیت مرزها و مناطق مرزی ایران بروز

منتهی به المخا و باب‌المندب مسلط‌اند.

اما تحلیل الجزیره دستاوردهای اولیه این عملیات را همچنان «محدود» توصیف می‌کند. انصارالله پس از عقب‌نشینی‌های اولیه در اطراف ذُباب تجدید سازمان کرده، در برخی محورها مقاومت کرده و همچنان بر تعز فشار می‌آورد. امروز نیز حمله به فرودگاه عدن نشان داد توان موشکی و پهپادی آن حفظ شده است. پرواز ورودی از قاهره مجبور شد به جده تغییر مسیر دهد.

■ باب‌المندب هنوز از معادله خارج نشده

برای ایران، اهمیت این میدان دقیقاً همین جاست. اگر نیروهای مورد حمایت عربستان بتوانند ارتفاعات غرب تعز را تثبیت کنند و ساحل میان المخا و باب‌المندب را به‌طور پایدار تحت کنترل بگیرند، یکی از دو گلوگاه فشار دریایی جنگ محدود می‌شود.

اما انصارالله همچنان توانایی حمله به مسیرهای دریایی، عدن و خاک عربستان را دارد و حتی عملیات زمینی دولت یمن نیز هنوز به مرحله‌ای نرسیده که کنترل آن بر ارتفاعات و خطوط دارکرائی را بشکند. گزارش تازه الجزیره نیز تأکید می‌کند بیرون‌راندن این نیرو از مناطقی که سال‌ها در اختیار داشته، بسیار دشوارتر از بازپس‌گیری چند موضع تازه تصرف شده خواهد بود. یعنی ورود پیمان مکه، موازنه را تحت فشار قرار داده ولی هنوز آن را واژگون نکرده است.

■ هرمز: نفت عبور می‌کند، اما چگونه؟

در سوی دیگر خلیج فارس، جدال متفاوتی بر سر هرمز جریان دارد. مارکو رویویو می‌گوید ایران «کنترل کامل» تنگه را از دست داده و حجم صادرات نفت افزایش یافته است. ولی واقعیت بازار پیچیده‌تر از این ادعاست. صادرات نفت منطقه افزایش یافته، اما بخشی از آن از مسیرهای جایگزین و انتقال کشتی به‌کشتی انجام می‌شود. مهم‌تر اینکه رویترز گزارش کرده عراق پس از دریافت اجازه ایران توانسته عبور نفتکش‌های خود از هرمز را افزایش دهد. سی‌ان‌ان نیز پیش‌تر گزارش کرده بود برخی کشتی‌هایی که با هماهنگی ایران عبور می‌کنند، هزینه پرداخت کرده‌اند. اصل پرداخت در برخی موارد توسط سردبیر مؤسسه اطلاعات دریایی لویزر لیست نیز تأیید شده است. بنابراین افزایش تردد الزاماً به معنای بازگشت قواعد پیش از جنگ نیست. سؤال مهم‌تر این است نفت تحت چه ترتیباتی عبور می‌کند؟

پوتین در گفت‌وگوی تلفنی با پزشکیان:

روسیه آمادگی دارد در زمینه کاهش تنش‌ها نقش آفرینی کند

مستقل مشترک المنافع انجام می‌شود، فردا جمعه نهم اکتبر با مسعود پزشکیان به صورت دوجانبه دیدار در کند. در شهر یور اسمال، رئیس جمهور کشورمان در حاشیه اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در بیشکک، دیداری با همتای روس داشت. رئیس‌جمهور در آن مقطع با بیان اینکه مواضع روسیه در سازمان ملل متحد و دیگر محافل بین‌المللی نشان‌دهنده ماهیت متفاوت روابط تهران و مسکو است، اظهار کرد: این حمایت‌ها نشان می‌دهد ارتباط میان دو کشور یک ارتباط معمولی نیست، بلکه روابطی راهبردی و مبتنی بر منافع و مصالح مشترک است. پزشکیان با تأکید بر ضرورت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی و سیاست‌های مبتنی بر فشار و تحریم، تصریح کرد: «ماور داریم که می‌توانیم در برابر یک‌جانبه‌گرایی و تحریم‌های ظالمانه آمریکا با قدرت ایستادگی کنیم.



داده است. کشیده شدن اختلافات و منازعات طایفه‌ای و قومیتی پاکستان و افغانستان به مرزهای ایران و پاکستان، گسترش شبکه‌های غیررسمی اقتصادی مانند قاچاق و مواد مخدر، افزایش امکان فرصت‌طلبی قدرت‌های فرمانطقه‌ای از این تنش‌ها و درنهایت احتمال سرایت بحران امنیتی به مرزهای ایران و افغانستان، همگی می‌توانند بخشی دیگر از این پیامدها باشند.

ج) پیوند افراط‌گرایی مذهبی و شکاف‌های قومیتی و طایفه‌ای: حضور و فعالیت گروه‌های افراطی مانند تحریک طالبان پاکستان و از آن مهم‌تر، داعش خراسان در بلوچستان پاکستان موجب شده شاهد شکل‌گیری ارتباطات و پیوندهایی میان این گروه‌ها و گروه‌های تروریستی بومی و قومیت‌گرا باشیم. مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در روند تقابل با گروه‌های تروریستی همچون جیش‌الظلم نیز بر ماهیت و جدوی چنین پیوندهایی صحه گذاشته‌اند. تردیدی نیست که شکل‌گیری چنین همکاری‌ای در تشدید تحرکات تروریستی اخیر در روند تقابل با گروه‌های تروریستی بوده‌اند. خلاً قدرت موجود در بلوچستان که ناشی از ضعف و ناتوانی دولت مرکزی پاکستان یا احتمالاً برخی ابهامات در سیاست‌های این کشور است، هرگونه برنامه‌ریزی برای تقابل امنیتی با این روند را با دشواری بیشتری روبه‌رو می‌کند.

به روایت دیگران

روایت نشریه آمریکایی «نیوزویک»
از «طوفان الاقصی» در سومین سالگرد آن

حماس جنگ را بُرد

محسن فاطمی نژاد: «چگونه حماس با وجود از دست دادن همه چیز، در جنگ پیروز شد؟» این تیتیر گزارشی است که نشریه آمریکایی «نیوزویک» در سومین سالگرد عملیات «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر، مطرح و تلاش کرده پاسخ‌ی قانع‌کننده و قابل‌استناد درخصوص آن به مخاطب عرضه کند. گزارشی که اگرچه از شکست نظامی حماس و هزینه‌های سنگین جنگ و نسل‌کشی برای فلسطینی‌ها سخن می‌گوید، درنهایت به نتیجه‌ای متفاوت می‌رسد: پایان نبرد در غزه لزوماً به معنای پایان پیامدهای هفتم اکتبر برای اسرائیل نیست. نیوزویک می‌نویسد حماس نتوانست اسرائیل را از میان ببرد، بخش مهمی از رهبران خود را از دست داد و توان نظامی‌اش به‌شدت آسیب دید. با این حال، عملیات هفتم اکتبر توانست معادله‌ای را تغییر دهد که نتیجه آن را باید فراتر از میدان نظامی جست‌وجو کرد. به‌نوشته این نشریه، مسئله فلسطین بار دیگر به‌مرکز سیاست بین‌المللی بازگشته و جایگاه اسرائیل در افکار عمومی جهان به‌شدت تضعیف شده است.

■ جنگی فراتر از غزه

نیوزویک در بررسی اهداف حماس، از آزادی اسرا، برهم زدن روند عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی، بسیج متحندان منطقه ای و مهم تر از همه، بازگرداندن مسئله فلسطین به دستورکار جهانی سخن می گوید. از نگاه این رسانه، حتی اگر همه اهداف اولیه عملیات محقق نشده باشد، پیامدهای سیاسی آن را نمی توان با نتیجه نظامی جنگ سنجید.

این نشریه برای توضیح تغییرات پس از هفتم اکتبر، به افکار عمومی آمریکا نیز استناد می‌کند. در سال ۲۰۲۲، ۵۵ درصد آمریکایی‌ها نگاه مثبتی به اسرائیل داشتند و ۴۲ درصد نگاه منفی؛ اما تا مارس ۲۰۲۴ این نسبت تقریباً معکوس شده و ۶۰ درصد نگاه منفی در برابر ۳۷ درصد نگاه مثبت ثبت شده است. همزمان، رایجگاه اسرائیل در شاخص قدرت نرم جهانی نیز افت قابل توجهی داشته است. اما از نگاه نیوزویک، اهمیت این تغییرات زمانی بیشتر می‌شود که پای نسل آینده سیاست آمریکا به میان می‌آید.

■ جنگی که به نسل آینده آمریکا رسید

این نشریه معتقد است تصویر جوانان آمریکایی از اسرائیل در سه سال گذشته نه براساس روایت‌های قدیمی از جنگ سرد، جنگ ۶ روزه یا روند صلح اسلو، بلکه براساس تصویری شکل گرفته که از غزه ویران شده و جنگ در شبکه‌های اجتماع دیده‌اند.

به گفته دوف واکسمن، استاد روابط آمریکا و اسرائیل در دانشگاه کالیفرنیا، این تجربه می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای سیاست آمریکا داشته باشد؛ چراکه نسلی که امروز در شبکه‌های اجتماعی، غزه را دنبال می‌کند، در سال‌های آینده وارد ساختار قدرت آمریکا خواهد شد.

نشان‌های این تغییر از هم‌اکنون در سیاست آمریکا دیده می‌شود. نیوزویک می‌نویسد ۱۰۳ نماینده دموکرات مجلس نمایندگان در ماه جولای به حذف ۳/۳ میلیارد دلار کمک نظامی سالانه به اسرائیل رأی دادند. این طرح شکست خورد، اما حمایت نزدیک به نیمی از فراکسیون دموکرات از چنین پیشنهادی، از نگاه نیوزویک نشان می‌دهد مخالفت با حمایت نظامی از اسرائیل دیگر موضوعی حاشیه‌ای نیست.

در سوی دیگر، بخشی از جوانان محافظه‌کار آمریکایی نیز با تکیه بر شعار «اول آمریکا» درباره هزینه حمایت واشنگتن از اسرائیل پرسشی می‌کنند. بنابراین، تغییر در نگاه به اسرائیل فقط محدود به چپ آمریکا نیست. در جناح راست نیز هرچند با انگیزه‌های متفاوت، تردید درباره جایگاه ویژه اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا در میان بخشی از نسل جوان در حال ظهور است.

این همان جایی است که به نوشته نیوزویک، هفتم اکتبر از یک واقعه نظامی به مسئله‌ای برای آینده سیاست آمریکا تبدیل می‌شود. جوانان امروز هنوز کاخ سفید، وزارت خارجه یا کمیته‌های مهم‌کنگره را در اختیار ندارند، اما به تدریج وارد این ساختارها خواهند شد. بنابراین، اثر واقعی هفتم اکتبر ممکن است نه در آنچه در روزهای نخست جنگ رخ داد، بلکه در سیاست‌هایی آشکار شود که شکل گرفته پس از جنگ، در سال‌های آینده دنبال خواهد کرد.

نگاهی کوتاه به ذخایر راهبردی و وضعیت کنونی آنها

جهان تقریباً همه ذخایر نفتش را مصرف کرده است



■ چگونه به اینجا رسیدیم؟

ریشه بحران کنونی را باید در دو لایه جست و جو کرد. لایه نخست، یک تصمیم نظامی: در اواخر فوریه ۲۰۲۶، آمریکا و اسرائیل به ایران حمله کردند و ایران در پاسخ، تنگه هرمز را بست؛ گلوگاهی که روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت از آن می گذرد. تولید کشورهای حاشیه خلیج فارس سفید شد، کاشش روزانه به ۱۴/۵ میلیون بشکه رسید و گلدن ساسکس از کاشش ۸/۷ میلیون بشکه‌ای ذخایر جهان در روز خبر داد. لایه دوم، اما قدیمی‌تر است: پس از جنگ اوکراین در ۲۰۲۲، آمریکا ۸۰ میلیون بشکه از SPR را آزاد کرد و هرگز آن را دوباره به‌طور جدی پر نکرد. در نتیجه بحران ۲۰۲۶ با یک مخزن تقریباً خالی آغاز شد. SPR از ۴۱۵/۴ میلیون بشکه در مارس به ۳۸/۸ میلیون بشکه در اکتبر رسیده است. «سیدبهارت میسرا» استاد اقتصاد مهندسی نفت دانشگاه تگزاس A&M، می‌گوید هرچند حد فیزیکی مطلق ۷۰ میلیون بشکه است، حداقل ایمن برای بهره‌برداری نزدیک ۲۵۰ میلیون بشکه است؛ زیر آن، کل تأسیسات وارد «منطقه خطر» می‌شود. قانون آمریکا می‌گوید اگر موجودی به زیر ۲۵۲/۴ میلیون بشکه برسد، رئیس جمهور دیگر حق دستور آزادسازی عمده را ندارد. آنگس ترامپ، نماینده سابق باقیمانده را طابق توافق IEA آزاد کند، SPR به حدود ۲۴۳ میلیون بشکه می‌رسد؛ یعنی عبور از خط قرمز قانونی.

■ آیا این ذخایر بحران را حل می‌کنند؟

در کوتاه مدت، بله؛ تا اندازه‌ای. «فاتیح بیرول» یکی از مدیران آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید ۳۵ میلیون بشکه آزادشده «در پر کردن شکاف عرضه و تثبیت اعتماد بازار نقش مهمی داشته است». بدون این ذخایر، جهان با جهش بسیار شدیدتری روبه‌رو می‌شد.

اما اثر این اقدام در حال تمام شدن است. «کوبین بوک» از پژوهشگرده نگاهی دقیق به ذخایر جهانی می گوید: بازگرداندن کامل SPR ممکن است سال ها طول بکشد و «کلینتون سیگل»، پژوهشگر امنیت انرژی هشدار می دهد با تخلیه ذخایر و کاهش توان سریع اوپک، انعطاف دولت ها برای تثبیت بازار در بحران های بعدی «بیشتر کاهش می یابد».

و نکته ششم همین است: ذخایر استراتژیک یک «بازار اضطراری» است، نه «راه حل». می تواند شکاف عرضه را موقتاً پر کند، اما نمی تواند تنگه هرمز را باز کند، نمی تواند تنش ژئوپلیتیک خاورمیانه را حل و آسیب پذیری ساختاری نظام انرژی جهان را معکوس کند. بدتر آنکه باز پر کردن خودشی یک کابوس است: ۱۷۲ میلیون بشکه ای که ترامپ آزاد کرد «وام» بود. شرکت ها باید با سود فیزیکی - حدود ۴۰ میلیون بشکه اضافه - بازگردانند؛ فرایندی که تا پایان ۲۰۲۸ طول می کشد. طرح پر کردن SPR با نفت و نزول هلام با منابع فنی روبه رو است: نفت سنگین و نزول هلام برای غازه ای نمکی طراحی شده برای نفت سبک مناسب نیست.

■ تاریخ تکرار می شود؟

شباهت بحران امروز با ۱۹۷۳ چشمگیر است: درگیری خاورمیانه، جهش قیمت، رکود اقتصاد غرب و بازهم نقش زیاده خواهی اسرائیل و حمایتش. تفاوت در این است که آن زمان ذخیره‌ای وجود نداشت و غرب فقط ضربه را تحمل کرد؛ امروز ذخیره هست، اما در حال تکه‌شیدن. در ۲۰۲۳ آمریکا ذخایر راهبردی خود را آزاد کرد و بازیر نکرد؛ همان الگوی «استفاده بدون حبران» که زمینه‌ساز تنگنای امروز شد. درس تاریخ روشن است: ذخایر می‌توانند «زمان بخرند»، اما

«مسئله را حل نمی‌کنند».

«لوتر کیلیان» از فدرال رزرو دالاس هشدار می‌دهد:

«هرچه ذخایر به ته‌کشیدن نزدیک‌تر شود، آیا فعالان بازار نگران‌تر خواهند شد؟ بدهی است بله. آن‌ها حتی ممکن است تردید کنند آیا آزادسازی تمام نفت باقیمانده هم توان تثبیت بازار را دارد؟»

این بحران‌های مقطعی در ذخایر استراتژیک و جریان انرژی جهان است که مشخص می‌کند جهان امروز پیش از آنکه به این ذخایر تکیه کند، به چیزی بنیادی‌تر نیاز دارد؛ کنار گذاشتن خودخواهی و زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ، تا زمانی که کشورهای قدرتمند، دیگرگام‌ها را بالا به پایین نگاه می‌کنند و منافع خود را بر امنیت جهانی مقدم می‌دارند، هیچ مقدار ذخیره‌ای نمی‌تواند صلح انرژی را تضمین کند. بحران کنونی نتیجه مستقیم همین منطق است: تصمیم‌هایی که در پایتخت‌های قدرتمند گرفته می‌شود، هزینه‌اش را مردمانی می‌پردازند که نه در تصمیم‌گیری نقشی دارند و نه در منافع جریان انرژی سهیم‌اند. ذخایر ابرهردی زمانی معنا دارند که سیاست خارجی بر پایه احترام متقابل و عدالت بنا شده باشد، نه تحمیل اراده و دیکتاتورنظم جهانی.

باید پذیرفت امنیت انرژی یک کالای مشترک است، نه انزاری در دست قدرتها. وقتی کشوری به خود حق می‌دهد با سرنوشت ملتی دیگر بازی کند، دیگری را تحریم کرده یا برای اهداف سیاسی خود هوس تغییر رژیم دیگر کشورها به سرش بزند، طبیعی است ذخایر هم کفاف ندهند. جهان به جای انبار کردن بشکه‌های بیشتر، به بازسازی اعتماد و گفت‌وگوی برابر نیاز دارد. تنها در سایه احترام به حقوق همه ملت‌ها و پایان دادن به سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه است که ذخایر راهبردی می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند.

حوادث باب‌المندب زیر ذره‌بین تحلیلگران آسیایی

چرا پاکستان و ترکیه از درگیری مستقیم در یمن پرهیز می کنند؟

در وهله نخست، در بیانیه صادر شده از سوی کمیته پیمان مکه بر اجرای فوری تعهدات دفاع جمعی توافق نامه مطابق با ترتیبات تصویب شده «قوانین ملی» طرف ها تأکید شده است. از نظر تحلیلگران، تأکید بر قوانین ملی کشورها در متن بیانیه کمیته می تواند پیام خاصی داشته باشد، به ویژه آنکه این توافق حتی هنوز در مجلس ملی ترکیه تصویب نشده است. مقامات ترکیه در ماه گذشته از این مورد و همچنین ماهیت دفاعی پیمان برای توجیه عدم اقدام عملی در چارچوب پیمان استفاده کرده بودند. در مورد پاکستان هم که صاحب اختیار خواجه آصف وزیر دفاع این کشور با روزنامه «انسان استاندارد» در مصاحبه در مشارکت عملیاتی رهنمای عربستان و نقش صرفاً پاسی پاکستان و ترکیه اشاره شده است. نگرانی هر دو کشور از بابت رویارویی با ایران از دیگر دلایل عدم مداخله مستقیم

شرایط میدانی جنگ در یمن و ناکامی‌های بزرگ عربستان در هفته‌های اخیر سبب شده بحث پیمان امنیتی مکه میان سه کشور پاکستان، عربستان و ترکیه و چگونگی مواجهه این پیمان با جنگ یمن در کانون توجه رسانه‌ها و تحلیلگران سیاسی و نظامی قرار گیرد. بر این اساس در روزهای اخیر دو تحلیل تقریباً هم‌زمان، یکی از سوی روزنامه معتبر ایندین اکسپرس هند و دیگری از طرف تحلیلگران اندیش‌شده تخصصی مطالعات دفاعی و امنیتی آسیا منتشر شده که نشان می‌دهند مداخله مستقیم نظامی در جنگ، در حال حاضر در دستور کار هیچ یک از کشورهای پاکستان و ترکیه قرار ندارد. این رسانه‌ها برای این عدم تمایل به مداخله مستقیم مستقیم از سوی هم‌پیمانان عربستان در پیمان مکه دلایل و انگیزه‌های مطرح کرده‌اند.

رصد

مزایده فروش دام زنده سبک و سنگین، حذف اضطراری و لاشه های سرزده

((تاریخ مزایده مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ ساعت ۱۲:۰۰))

این شرکت در نظر دارد دام سبک و سنگین زنده (گوساله نر)، حذف زنده اضطرابی گاو، جوانه و تلیسه و لاشه های سرزده گاو، جوانه و تلیسه خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند، لذا جهت شرکت در مزایده لطفاً حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ ساعت ۱۰ به آدرس کیلومتر ۵ جاده سرخس مزرعه نمونه آستان قدس رضوی کارخانه لبنی رضوی واحد فروش دامپروری مراجعه و نسبت به تکمیل اسناد مزایده و واریز وجه شرکت در مزایده اقدام فرمایید. مبلغ تضمین شرکت در مزایده ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بصورت واریز وجه نقد بشماره حساب ۳۴۲۲۲۲۲۳۱۱ بانک ملت شعبه آستان قدس به نام شرکت دامپروری و لبنی رضوی (جهت دریافت شناسه پرداخت با داخلی ۲۶۸ تماس حاصل فرمایید). جهت کسب اطلاعات بیشتر با شرکت صنایع دامپروری و لبنی رضوی تماس حاصل فرمایید. تلفن: ۱۲ - ۳۳۹۶۰۵۱۰ - ۰۵۱ داخلی ۳۲۲ - ۲۹۸ هزینه چاپ آگهی ها به عهده برنده مزایده می باشد.

شرکت صنایع دامپروری و لبنی رضوی (سهامی عام)

برگ سبز خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۴
رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور
۱۱۴۸۵۱۴۶ و ۳۱۶۹۶۹۶ و
شماره پلاک ۵۴۳۳۷ به ۴۶ به نام رفیع
رحمانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز خودرو وانت پیکان مدل ۱۳۸۶
رنگ سفید شیری روغنی به شماره موتور
۱۱۴۸۶۰۵۸۱۴۶ و شماره شاسی ۳۱۶۹۶۹۷
شماره پلاک ۳۲۷ص ۵۴ ایران ۲۶ به نام رقیه
رحمانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

به عمومی همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) یک مرحله ای تعمیرات ساختمانها
حیطه در سطح پردیس دانشگاه فردوسی مشهد (۱۴۰۵) (نوبت دوم)

گهگاه فردوسی مشهد در نظر دارد مناقصه تعمیرات ساختمانها و محوطه در سطح دانشگاه فردوسی مشهد (۱۴۵۰) به شماره پستی(۹۶۰۰۰۱۹/۹۶۵۸۱۳۰۰۵۰۰) را از طریق سایت تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان در دریافت و تحویل فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در ستاد، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

زمانی:
 ۱۳:۰۰ خ انتشار فراخوان: ۱۴۵۵/۷/۱۷ ساعت
 ۱۱:۰۰ ت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۵۵/۷/۱۹ ساعت
 ۱۱:۰۰ ت ارسال پیشنه‌ها: ۱۴۵۵/۸/۰۳ ساعت
 ۱۱:۰۰ ت بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۵۵/۸/۰۳ ساعت
 مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵۵۰/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 ن. ضمیمه مزبور شامل: (الف) ضمانت‌نامه بانکی؛ (ب) فیش نقدی (ج) چک بین‌بانکی (د) چک تضمین بانکی
 ن. ضمیمه تفاسیر و آدرس دستگاه: اطلاعات تفاسیر دستگاه مناقصه‌گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر
 ن. ضمیمه اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف: مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه فردوسی مشهد،
 ص ۳۸۸/۰۳۸۸ (تلفن ۵۵۱)
 ن. تفاسیر سامانه سامانه نتایج انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز ستاس: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ دفتر
 نام: ۸۸۹۶۹۳۷ و ۸۵۱۹۳۶۸ اطلاعات تفاسیر دفتر ثبت نام سایر استاس: در سایت سامانه
 www.setad.ir بخش ثبت نام/ پروپایل نامی کننده/ مناقصه کد موجود است.



14.512.35

گفت‌وگو با علی فروتن؛ تصویری آشنا از صبح‌های جمعه و خاطرات کودکی نسل‌های مختلف به بهانه روز جهانی کودک

برای من خوشحالی بچه‌ها مهم است



نویسنده آن بسیار مهم است و هر قصه‌ای را نمی‌شود برای بچه‌ها روایت کرد. کسی که می‌خواهد برای بچه‌ها قصه تعریف کند، باید صلاحیت و توانایی این کار را داشته باشد. کسی که می‌خواهد قصه بنویسد، باید مخاطب، در همان نویسنده قصه باشد. هر کسی نمی‌تواند قصه بنویسد و هر کسی هم نمی‌تواند قصه را درست بخواند و روایت کند. قصه نوشتن، آدم کار بلد می‌خواهد. من بلد نیستم قصه بنویسم، پس سراغش نمی‌روم؛ چون اگر این کار را انجام بدهم، ممکن است به بچه‌ها صدمه بزنم. من اجراکننده نمایش هستم و کاری را که می‌توانم خوب اجرا کنم، انجام می‌دهم. به نظر هر کسی باید در حوزه‌ای که تخصص و توانایی دارد، همان کار را انجام دهد.

■ با توجه به اینکه فرمودید اجراکننده قصه‌ها هستند، به نظر شما سینمای کودک فقط باید به سمت سرگرمی برود یا در کنار سرگرم کردن، وظیفه آموزش هم دارد؟
هیچ قصه‌ای وجود ندارد که درونش آموزش نباشد. حتی یک سرگرمی صرف هم می‌تواند حاوی یک آموزش باشد. بنابراین نمی‌شود گفت قصه‌ای داریم که هیچ مفهومی را به کودک منتقل نکند. اما الان تلویزیون ما چه چیزی برای بچه‌ها دارد که انتظار داشته باشیم از آن بازخورد بگیریم؟ وقتی چیزی به بچه‌ها نداده‌ایم، طبیعتاً نمی‌توانیم انتظار بازخورد هم داشته باشیم. هنرمندان زیادی هستند که از تلویزیون کنار گذاشته شده‌اند و به‌سختی و با شرایط دشوار، شاید مشغول کار تئاتر هستند. امروز وقتی تلویزیون را روشن می‌کنید، عملاً محتوای خاصی برای پخش ندارد. برنامه «فیتیله» که ۱۴ سال روی آنتن بود، حالا از شبکه‌های تلویزیونی ایران پخش نمی‌شود، اما از شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شود!

■ با توجه به برگزاری جشنواره کودک و نوجوان اصفهان، به نظر شما جشنواره‌ها همچنان می‌توانند تأثیرگذار باشند؟

جشنواره متعلق به بچه‌هاست و باید هم بچگانه برگزار شود. من واقعاً اطلاعات کاملی درباره جشنواره امسال ندارم و از صفر تا ۱۰۰ نحوه برگزاری، تعداد فیلم‌ها و جزئیات آن مطلع نیستم. بنابراین اگر بخواهم درباره کیفیت یا نحوه برگزاری آن اظهارنظر کنم، قضاوت درستی نخواهد بود و حرف دقیقی نمی‌توانم بزنم. اما قاعدتاً جشنواره امسال مثل سال‌های گذشته نبوده و نیست.

■ در حال حاضر مشغول چه پروژه‌ای هستید و اوضاع چطور است؟

من و آقای گلی یک نمایش داریم که در حال آماده‌کردن آن برای اجرا در شهرهای مختلف هستیم. این نمایش «دوره‌گردها» نام دارد. همین هفته گذشته در بجنورد، نکا و بهشهر اجرا داشتیم و ان‌شاء‌الله به زودی به سمت شهرکرد می‌رویم و آنجا اجرا خواهیم داشت. فعلاً اجرای نمایش در شهرهای مختلف را ادامه می‌دهیم. همه چیز خوب است. خدا را شکر می‌کنم که در تمام این سال‌هایی که برای مردم و بچه‌ها کار کردم، هر جا رفته‌ام استقبال مردم روبه‌رو شدم. شما هیچ گنجی را بیشتر از این نمی‌توانید پیدا کنید. نمی‌خواهم بگویم پول بی‌ارزش است یا از ثروت بدم می‌آید؛ به اندازه‌ی خودم درآمد دارم و به اندازه‌ی خودم هم زندگی می‌کنم، اما مهم‌ترین چیزی که خیلی از دوستان و عزیزان ما در کشورمان حسرتش را می‌خورند، همین لیخند مردم روبه‌رویشان است؛ چیزی که خداوند به من هدیه داده است. از یک ایستگاه مترو که سوار می‌شوم تا زمانی که پیاده می‌شوم، حداقل باید ۱۰ نفر را بغل کنم و با ۲۰ نفر عکس بگیرم؛ این‌ها برای من مهم است.

آن‌ها هم همین‌طور بودند، اما بیشتر در همان رده سنی ماندند؛ یعنی در ذهن مخاطب، در همان دوران کودکی باقی ماندند. ولی من چه کار کردم؟ من در عین حال که قشر کودک را حفظ کردم، بچه‌هایی من بزرگ شده بودند،

با آن‌ها آمدم، یک صفحه جدید راه‌اندازی کردم، با آن‌ها حرف زدم، دغدغه‌هایشان را شنیدم و دغدغه‌هایشان را پیدا کردم. با آن‌ها گریه کردم و در روزهای سخت کنارشان بودم. وقتی نیاز داشتند یک استوری از آدمی که قبلاً با آن‌ها بوده و برایشان خاطره ساخته بود، ببینند، من آن استوری را گذاشتم. پست گذاشتم، دعوا کردم و داد زدم که چرا دارید با این بچه این‌طور رفتار می‌کنید؟ چرا این بچه‌ها بیکارند؟ چرا باید این اتفاق بیفتد؟ می‌گفتم دولتمردان باید جواب بدهند که چرا این بچه‌ها بیکارند. من هنرمند، با یک صداقت، پشت سر بچه‌ها ایستادم و به این موضوع افتخار می‌کنم. برای من، هیچ بچه‌ای با هیچ نوع تفکری تفاوت ندارد. هر تفکری که انتخاب کرده باشد، من به انتخابش احترام می‌گذارم. برای من، آزادانه و رها بودن و خوشحال بودن او مهم است. وقتی من پشت چنین چیزی می‌ایستم، یعنی برای من فرقی نمی‌کند. من خواهم بگویم نگاه کردن به این قضا یا آن‌قدر ساده است. من در تمام این سال‌ها پشت هیچ جناحی نایستاده‌ام.

■ می‌توان گفت شخصیت‌هایی مثل شما، با توجه به ارتباطی که با چند نسل از کودکان داشته‌اند، نوعی چهره‌رسانه‌ای کودکان یا یک نسل محسوب می‌شوند. این تعبیر را درست می‌دانید؟

خیر، من دوست بچه‌ها هستم و چهره رسانه‌ای نیستم. به یک دوست می‌توان نزدیک شد و حتی از او انتقاد کرد. وقتی من دوست بچه‌ها هستم، خودم هم انتقادپذیرم و اگر اشتباه کرده باشم، می‌پذیرم. در این حالت، ارتباط دوطرفه شکل می‌گیرد و به نظر من، اساس دوستی هم همین است.

■ با توجه به مواجهه‌ای که با نسل‌های مختلف داشته‌اید، به نظر شما نسل امروز بیشتر به آموزش مستقیم نیاز دارد یا بهتر است مفاهیم مختلف را در دل قصه‌ها و تجربه‌های داستانی یاد بگیرد؟

قصه، بهترین ابزار برای انتقال مفاهیم است. شما با قصه می‌توانید همه چیز را به بچه‌ها یاد بدهید، اما مهم این است که نویسنده بداند چطور می‌خواهد از این ابزار استفاده کند. خود قصه و

الان جنگ شده، قبلاً سیل، زلزله و اتفاق‌های ناگوار دیگری بوده است. ما مسئولیت اجتماعی را انجام داده‌ایم و همیشه حضور داشتیم و در کنار بچه‌ها بودیم. اما بحث

سیاسی، نه؛ من اصلاً اعتقادی به این قضیه ندارم. ببینید، قربانی شدن بچه‌های مظلوم مدرسه میناب، دل آدم را به درد نمی‌آورد؛ مگر می‌شود آدم از این اتفاق ناراحت نشود؟ یک‌سری خانواده عزادار شده‌اند و تا ابد هم داغ این اتفاق را با خودشان دارند. اما اینکه حضور ما در این ماجرا موجب ورود به مباحث سیاسی شود را اصلاً قبول ندارم. چون سیاست، به اعتقاد من، کاملاً از هنر جداست. اما مسئولیت اجتماعی، داستان‌ش فرق می‌کند.

■ بچه‌ها بیشتر با خود شخصیت آقای فروتن ارتباط برقرار می‌کنند یا با شخصیت‌هایی که شما در قالب کاراکترهای مختلف برایشان ساخته‌اید؟

این سؤال دو جواب دارد و هر دو چیزی که گفتید، درست است. بچه‌ها با شخصیت‌هایی که من می‌سازم ارتباط برقرار می‌کنند. منظورم این است که بچه‌ها علی‌فروتن را به‌عنوان یک فرد نمی‌شناسند؛ نه اینکه اصلاً او را نشناسند، بلکه من را در قالب «دوقلوا»، «پاتینگا» و شخصیت‌های فانتزی دیگری که برایشان ساخته‌ام، می‌شناسند. اما آدم‌هایی که با من بزرگ شده‌اند، دیگر الان «عمو فروتن» را می‌شناسند. یعنی به بهانه «پاتینگا، پاتینگا»، دنبال عمو فروتن هستند. بنابراین، این دو مورد در کنار هم وجود دارد و مخاطبان از هر دو استفاده می‌کنند.

■ چه چیزی موجب می‌شود یک شخصیت، سال‌ها در ذهن یک نسل باقی بماند؟

در آن مقطع و در آن زمان طلایی که من حضور داشتم، خیلی‌های دیگر هم حضور داشتند. پس چرا امروز شما به دنبال شخصیت دیگری از آدم‌هایی که در آن سال‌ها همان کاری را که من انجام دادم، برای شما انجام می‌دادند، نمی‌روید؟ چرا من در ذهن شما مانده‌ام؟ من به مخاطب خودم پایبند بودم. البته منظورم این نیست که دیگران پایبند نبودند؛

نمایش احمدی | صبح جمعه، خانه هنوز در سکوت خواب‌آلود خودش بود. صدای قاشق و استکان از آشپزخانه می‌آمد، بوی چای تازه‌دم در خانه پیچیده بود و تلویزیون، با همان تصاویرهای قدیمی، کم‌کم ما را از رختخواب جدا می‌کرد. نه عجله‌ای برای رفتن داشتیم، نه خبری از مدرسه بود. سه‌م ما از آن صبح، یک جای گرم جلو تلویزیون بود و برنامه‌ای که چند ساعت از دنیای بزرگ‌ترها دورمان کند. آن روزها، چهره‌هایی بودند که فقط از تلویزیون نمی‌آمدند؛ انگار میهمان خانه‌مان بودند. می‌شناختیمشان، دوستشان داشتیم و با دیدنشان ذوق می‌کردیم. گاهی فقط شنیدن یک اسم، یک صدا یا دیدن یک چهره کافی است تا ناگهان پرت شویم به همان صبح‌های جمعه که فکر می‌کردیم قرار است تا همیشه ادامه داشته باشد. به مناسبت روز جهانی کودک، به سراغ «علی فروتن» یکی از عموهای فیتیله‌ای رفته‌ایم؛ با یگر پنجاه‌ونه ساله‌ای که برای ما فقط یک هنرمند کودک نیست، بخشی از حافظه کودکانه نسلی است که به عشق دیدن برنامه‌هایی چون «فیتیله» از خواب‌ناز صبحش می‌زد. با او از سال‌های دوری از تلویزیون و بازگشت دوباره‌اش در فیلم سینمایی «شوتینگا» کنار دیگر عموهای فیتیله‌ای، بچه‌های دیروز و امروز و با هم کار کنیم. با این حال، هنوز هم دغدغه‌اش، ساختن لحظه‌ای برای خندیدن و حال خوب بچه‌هاست.

■ پس از سال‌ها دوری، چطور دوباره در «شوتینگا» کنار دیگر عموهای فیتیله‌ای قرار گرفتید؟

ما پیش از این هم با آقای مسلمی و آقای گلی همکاری داشتیم. پس از آن ماجراهایی که برای برنامه «فیتیله» اتفاق افتاد، عملاً قُرارمان بر این شد که دیگر در برنامه تلویزیونی مشترکی که قرار باشد با نام «فیتیله» پخش شود، کار نکنیم. چون رفتاری که با ما شد، با توجه به سال‌ها زخمی که برای بچه‌ها کشیده بودیم، واقعاً برایمان قابل قبول و خوشایند نبود. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم از آن برنامه جدا شویم و همکاری‌مان با «فیتیله» را قطع کنیم. اما این موضوع به این معنی نبود که دیگر قرار نیست با هم کار کنیم. با این حال، آقای مسلمی عملاً خیلی اهل کار تئاتر نبودند و من و آقای گلی بیشتر تمرکزمان را روی تئاتر گذاشتیم. آقای مسلمی هم بیشتر در پلتفرم‌ها و فضاهای مختلف، به تولید محتوای تصویری پرداخت و در جاهای دیگری سمت‌های اداری گرفت و فاصله میان ما بیشتر شد. البته ما پیش از فیلم سینمایی «شوتینگا»، سال‌های گذشته برنامه «دوقلوا» را با هم کار کرده بودیم، اما پس از آن یک فاصله‌ای اتفاق افتاد تا اینکه رسیدیم به این پروژه. من و آقای گلی، فقط به‌خاطر بچه‌های ایران این کار را انجام دادیم. چون حال بچه‌ها خوب نیست. ما دوست داشتیم اتفاقی برای بچه‌های ایران رخ دهد. دلمان می‌خواست در چنین شرایطی، یک اتفاق خوب و متفاوت برای بچه‌های ایران رقم بخورد و آن‌ها بتوانند فارغ از همه این مسائل، دوباره با یک اثر سرگرم‌کننده و مناسب خودشان ارتباط برقرار کنند.

■ با توجه به جایگاه و برند شدن هنرمندانی مانند شما، فکر می‌کنید این جایگاه در شرایط جنگی و بحرانی چه مسئولیت اجتماعی‌ای در قبال نسل امروز ایجاد می‌کند؟

خودم هشت سال در جنگ ایران و عراق خدمت کردم و تا پایان جنگ حضور داشتم. خطرات و سختی‌های جنگ را می‌دانم. اما درباره مسئولیت اجتماعی ما، در این ۴۰ سال سابقه کاری، ما مسئولیت اجتماعی‌مان را انجام داده‌ایم. برای ما نیازی نبوده که حتماً زمان خاصی یا بزرگه خاصی به وجود بیاید؛ چون برای ما همیشه بزرگه بوده و این مملکت همیشه بزرگه داشته است.

به قلم خراسانی‌ها

بازخوانی صفحه‌ای از کتابی که به فارسی خراسانی به شرح آرای اسلامی پرداخته

شیوایی دری در سده‌های نخستین

حسن احمدی‌فرد | در این ستون، چنان‌که از نامش پیداست، به شماری از آثار تاریخ ادب می‌پردازم که در خراسان نوشته شده‌اند و این آثار، همه آثار نخستین ادب فارسی را شامل می‌شوند.

به دیگر سخن، آنچه به عنوان ادب فارسی می‌شناسیم، همچنان‌که از خراسان آغاز شده، در خراسان هم مکتوب شده است. همه آثار کهن زبان فارسی، آثاری است که به قلم ادیبان و دانشمندان خراسانی، ثبت و ضبط افتاده است.

در شماره‌های پیشین این ستون (که در قدس آنلاین، وب‌سایت روزنامه قدس موجود است)، به «مقدمه شاهنامه ابومنصوری»، «ترجمه تاریخ طبری»، «الابینه عن حقایق الادویه»، «التفهیم» و «تاریخ بخارا» پرداخته‌ام و در این شماره به یکی از متون کهن می‌پردازم که به اعتقاد مرحوم «دکتر مهدی بیانی»، «کهن‌ترین متن مکتوب زبان فارسی است؛ متنی که به قلم دانشمندی از سمرقند درباره اصول اعتقادی نوشته شده است.

اسحاق بن محمد سمرقندی (درگذشته ۳۴۲ قمری) از محدثان، قضات و حکمای سمرقند در قرن چهارم هجری قمری بود؛ و در آن سال‌ها ماوراءالنهر، جغرافیایی بود که نحل‌های مختلف دینی در آن حضور داشتند و به تضارب (و حتی تنازع) آرا می‌پرداختند.

پادشاه سامانی، از حکیم سمرقندی درخواست کرد در کتابی، اصول عقاید اسلامی و نیز آرای مذهبی را گردآورد. «السواد الکبیر» اینچنین، به قلم حکیم سمرقندی و به زبان عربی شکل گرفت. بعدها، در همان روزگار سامانیان، این کتاب، به قلم دانشمندی دیگر و یا به قلم خود حکیم سمرقندی به فارسی هم ترجمه شد؛ کتابی که در فراز و فرودهای تاریخ از بین رفت؛ اما به همت دکتر مهدی بیانی، به دامن تمدن فارسی برگردانده شد.

دکتر مهدی بیانی، استاد پیشکسوت زبان و ادب فارسی و بنیان‌گذار کتابخانه ملی ایران است که بهمن‌ماه ۱۳۴۶ در ۶۱ سالگی درگذشت. او به‌ویژه در گردآوری نسخ خطی زبان فارسی کوشا بود و توانست کتاب‌های بی‌شماری از گنجینه ادب فارسی را در کتابخانه ملی جمع کند.

در این میان یکی از ادبای خراسانی از کشور افغانستان، استاد مرحوم «عبدالرئوف فکری سلجوقی» مجموعه‌ای از نسخ خطی را به او، به دکتر بیانی هدیه کرد.

این استاد فکری سلجوقی، از سلاجقه خراسان بود؛ میراث‌داران حکومت سلطان سنجر سلجوقی که در ناحیه وسیعی از مرو تا بخارا پراکنده‌اند و خانواده‌هایی از آن‌ها در تربت جام و تایباد و باخرز هم ساکن هستند.

دکتر بیانی در آن مجموعه، نسخه‌ای یافت که به فارسی دری، فارسی خراسانی، به شرح اصول عقاید پرداخته بود و متوجه شد این رساله فارسی، همان ترجمه گمشده «السواد الکبیر» حکیم سمرقندی است؛ که چهار سده پس از او، به دست «خواجه محمد پارسا» در قرن هشتم رونویسی (استنساخ) شده است.

این خواجه محمد پارسا از عرفای نامدار نقشبندیه است؛ اصالتاً اهل بخارا که ظاهراً در زمان کنایت اثر، در هرات (خاستگاه طریقت نقشبندیه) می‌زیسته؛ و او پسری هم دارد که «خواجه ابونصر پارسا» باشد؛ عارف نامدار قرن نهم که در بلخ مدفون است.

دکتر بیانی معتقد است این ترجمه فارسی، در همان روزگار حکیم سمرقندی (که در سال ۳۴۲ قمری درگذشته؛ یعنی وقتی که فردوسی ۱۳ سال داشته) و به قلم خود او نوشته شده؛ و از این منظر، از مقدمه شاهنامه ابومنصوری (نوشته‌شده در ۳۴۶ قمری) هم قدیمی‌تر است.

این نظریه البته توسط «دکتر عبدالحی حبیبی» ادیب معاصر زبان فارسی و اهل کشور افغانستان رد شده. دکتر حبیبی که ترجمه فارسی السواد الکبیر را تصحیح و چاپ کرده، معتقد است برگردان فارسی این کتاب، چندین دهه بعد از حکیم سمرقندی انجام شده و حتی در روزگار خواجه محمد پارسا و به دست او، مختصری هم تغییر کرده است. با این همه، برگردان فارسی السواد الکبیر حکیم سمرقندی، قطعاً یکی از کهن‌ترین متن‌های زبان فارسی است. بخشی از این اثر را با هم بخوانیم و از شیوایی زبان فارسی در سده‌های نخستین لذت ببریم.

«پس گفت (اشاره به حضرت رسول اکرم (ص)) وصیت می‌کنم شما را و تن خود را به ترسیدن از خدای عزوجل؛ و جهد کردن به گذاردن امرها؛ و پرهیز کردن از نهی‌ها؛ و صبر کردن بر حکم خدای عزوجل؛ و رضادادن به قضاهای وی؛ و شکر کردن بر نعمت‌های وی؛ و رواداشتن، مر مرگ را. و نگر تا بر حکم خدای تعالی گرانی نکنی؛ و بر خلق آن کبر نکنی، زیرانکه (زیرا آن‌که/ زیرا) به اجماع علما و فقهاست که بندگان را دو خصلت است؛ یکی، آن کنی که وی پسندد و دُ (دو) دیگر، آن پسندی که آن (او) کند.

و این نیز چهار خصلت است؛ یکی آن‌که سرّ (باطن) خویش چنان داری (نگه‌داری) که اگر بر خلق آشکارا گردد، روا داری (قبول کنی/ نگران نباشی).

دُ دیگر آن‌که علانیت (ظاهر) خویش را چنان داری که بر سبیل (شیوه/ راه و روش) سنت باشد؛ که اگر همه امت محمد صلی‌الله‌علیه و سلم به تو اقتدا کنند، روا داری. و سبیم (سوم) آن‌که با همه مومنان و مسلمانان، صحبت چنان داری و معامله چنان کنی که اگر ایشان با تو همان کنند، روا داری؛ و چهارم، حال خویش را چنان داری که اگر در حال (در همین لحظه) ملک‌الموت جان از تو جدا کند، روا داری. پس ای مومن! از خدای تعالی بترس و دین خود را نگاه دار! از آن جهت که هوا (نفسانیت) در میان خلق بسیار شده است و امانت‌ها برخاسته و هر کس بر هواهای خویش مشغول گشته...».

واکاوی ریشه‌های تاریخی رقابت و جنگ روس‌ها و اروپایی‌ها در ۱۰ قرن گذشته به‌بهانه طولانی‌شدن نبرد اخیر مسکوو کی‌یف

امتداد هزاره بیگانگی میان روسیه و اروپا



ملقب به «پترکبیر». او معتقد بود روسیه‌بدون فراگیری علوم، فنون نظامی، دریاوردی و ساختار دیوانی اروپا، در بازی قدرت بقایای نخواهد داشت. پتر مخفیانه و در قالب «هیئت بزرگ سفارت» در سال‌های ۱۶۹۸–۱۶۹۷ میلادی به‌اروپا سفر کرد،در کارگاه‌های کشتی‌سازی هلند به کارگری پرداخت‌واز کارگاه‌های توپ‌ریزی بریتانیادیدن کرد.اوبادستی آلوده‌به‌خون‌وبه‌ضرب خشونتی افسارگسیخته، درباریان را وادار به‌تراشیدن ریش و پوشیدن لباس‌های اروپایی کرد.پتر تقویم «ژولیانی» را به‌جای تقویم قدیمی روسی به‌کار برد و شاهکار خود را در دهانه خلیج فنلاند، روی استخوان‌های هزاران کارگر و در میان باتلاق‌ها بنا نهاد: شهر سن‌پترزبورگ.پنج‌راهی روبه‌اروپا!

اما این پیوند، پیوندی عاشقانه نبود؛ جراحی دردناکی بدون داروی بیهوشی بود. «اورلاندو فایجز» مورخ نامدار بریتانیایی، در اثر خود با عنوان «رقص ناتاشا: تاریخ فرهنگی روسیه»، توضیح می‌دهد که اقدامات پتر جامعه روسیه را به دو نیمه متخاصم شقه‌کرد: طبقه‌ای اشرافی‌و فرادست‌که‌به‌فرانسوی تکلم می‌کردند، رمان‌های «ولتر» را می‌خواندند و مانند نجیب‌زادگان آلمانی لباس می‌پوشیدند و توده عظیمی از دهقانان (سَرَفَها) که‌در فقر، انزوا و سست‌های اسلاوی غوطه‌ور ماندند. برای دهقان روس، «اروپایی‌شدن» مساوی بود با پرداخت مالیات‌سنگین‌تر و ستم طبقاتی شدیدتر.

اروپای غربی نیز به این پتر بزرگ پر زرق و برق با سوءظن می‌نگریست. «ژان ژاک روسو» فیلسوف مشهور فرانسوی، در کتاب «قرارداد اجتماعی» در سال ۱۷۶۲ میلادی، با قضاوتی بی‌رحمانه درباره پتر نوشت: «امپراتوری روسیه هرگز متمدن نخواهد شد، زیرا بسیار زود در معرض تمدن قرار گرفت. پتر نبوغی تقلیدی داشت: اومی خواست آلمانی‌ها یا انگلیسی‌ها را با آفرینی کند، در حالی‌که می‌بایست روس بسازد». این نگاه از بالا و تحقیرآمیز روشنفکران فرانسوی و انگلیسی به روس‌ها به عنوان «بربرهای سفیدپوش»، خشم و کینه عمیقی را در ذهن نخبگان روسی پروراند.

■ غرش توپ‌های ناپلئون و خیزش غول اسلاو

در ژوئن ۱۸۱۲ میلادی، ارتش بزرگ «ناپلئون بناپارت» با بیش از نیم‌میلیون سرباز، از رود «نمان» گذشت و خاک امپراتوری روسیه را درنوردید. ناپلئون، مسکو را تصرف کرد، اما شهر اشغال‌شده در شعله‌های آتش سوخته‌بود. زمستان سخت، خطوط طولانی تدارکات و مقاومتی تا سرحد مرگ به رهبری «ژنرال کوتوزوف»، ارتش فرانسه را نابود کرد. دو سال بعد، در ۳۱ مارس ۱۸۱۴ میلادی، «الکساندر اول»، تزار روسیه، در رأس نیروهای قزاق و سواره‌نظام روس وارد خیابان‌های پاریس شد! این واقعه نقطه عطفی در تاریخ تنش‌های ژئوپلیتیک بود. روسیه حالا دیگر یک همسایه‌دردست در منته‌الایه شرقی اروپا به حساب نمی‌آمد. تزار اینک به ژاندارم‌ه سبز بدل شده بود. «میخائیل لرمانتف» و «الکساندر پوشکین» در اشعار خود غرور ملی بر خاسته از درهم‌شکستن ارتش مغرب‌زمین را بازناب دادند. اما حضور افسران جوان روس در پاریس پیامدهای ناخواسته داشت: آنان تفکرات لیبرالیستی و اندیشه‌های انقلاب فرانسه را شناختند و با خود به سرزمین مادری بردند. نتیجه‌آن، قیام «دکابریست‌ها» (دسامبریست‌ها) در دسامبر ۱۸۲۵ میلادی، در میدان مجلس سن پترزبورگ بود؛ آتشی که تزار «نیکلای اول» آن را با دار و تعبید به سبیری خاموش کرد. او در پاسخ به امواج انقلاب‌های اروپایی، دکترین معروف خود را تنوین کرد: «ارتدوکسیسم، استبداد، ملی‌گرایی». دکترینی که به «ناسیونالیسم رسمی» روسیه تبدیل شد. «دومینیک لیون» استاد تاریخ روسیه در «مدرسه اقتصاد لندن»، در کتاب «روسیه در برابر ناپلئون» نشان می‌دهد که چگونه پیروزی بر ناپلئون، این باور را در ساختار قدرت مسکو تقویت کرد که رسالت محافظه‌کارانه و سنت‌گرایانه روسیه این است که سدی استوار در برابر جنون‌های لیبرال و هرچ‌ومرغ طلبانه غرب باشد.

■ غرب‌گرایان در برابر اسلاوگرایان: دعوی ابدی روح روس
در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ میلادی، کافه‌ها و محل اجتماعات روشنفکری مسکو صحنه مناظراتی آتشین شد که شالوده‌تئوریک تنش‌های دو قرن اخیر را پی‌ریزی کرد: تقابل غرب‌گرایان (Zapadniki) با اسلاوگرایان (Slavofily). غرب‌گرایانی مانند «پیتَر چادایف» و «یساریون بلینسکی» معتقد بودند روسیه هیچ سهمی در تمدن بشری نداشته است. چادایف در مجموعه «نامه‌های فلسفی» خود، در ۱۸۳۶ میلادی نوشت: «ما در زمان زندگی نمی‌کنیم؛ نه به‌غرب‌تعلق داریم و نه به شرق و هیچ سنتی از خود نداریم». این سخنان چنان تزار را برآشف‌ت که رسماً چادایف را «مجنون» نامید و

جواد نوائیان رودسری | تنش میان روسیه و اروپا وارد مراحل بحرانی خود شده‌است، تقریباً روزی نیست که مسکو ورق‌بایی در قاره‌سبز به‌هم چنگ و دندان نشان ندهند. ظاهر قضیه این است که روسیه نزاعی مقطعی را تجربه می‌کند، حمله روس‌ها به اوکراین و الحاق بخش‌هایی از این کشور به خاک روسیه، از سوی برخی تحلیلگران به عنوان نوعی از توسعه‌طلبی بدون اتصال یا سوابق تاریخی طولانی مدت در نظر گرفته می‌شود. اما واقعیت چنین نیست، روس‌ها بیش از ۱۰ قرن است چالش‌های عمیق و بی‌اعتمادی غیرقابل انکاری با اروپایی‌ها دارند. طی هزاره گذشته، روسیه همواره اروپا را در مقابل خود دیده و اروپا همیشه به مسکو، نگاهی همراه با تحقیر و تردید داشته؛ در واقع تلاش روسیه، به‌ویژه در دو قرن اخیر، برای اروپایی نشان دادن خود، هیچ‌گاه از سوی دیگر کشورهای اروپا جدی گرفته‌نشده‌است. بخش عمده‌ای از این نزاع، در روزگار ماضی، به تقابل عمیق مذهبی روسیه و اروپا (به‌ویژه اروپای غربی) مربوط می‌شود و جالب اینجاست که مسکو، حتی زمانی که لباس متفاوت و کاملاً غیرمذهبی، یعنی رژیم کمونیستی را به تن کرد، باز هم نتوانست خود را از فضای این درگیری خارج کند. در این نوشتار کوشیده‌ایم تاریخ‌های تاریخی این نزاع را واکاوی کنیم و آن را در قالب یک درگیری سنتی و نه مقطعی، مورد بررسی قرار دهیم.

■ تولد یک هویت

داستان تقابل روسیه و اروپا، نه در کاخ کرملین یا اتاق‌های در بسته کاخ ورسای؛ بلکه در کرانه‌های مه‌آلود رود «دنیپِر» و در سال ۹۸۸ میلادی آغاز شد. شاهزاده «ولادیمیر اول» حاکم روس کی‌یف، در میان ادیان بزرگ دست به انتخاب زد. رویدادنامه‌های کهن اسلاوی حکایت می‌کنند که فرستادگان او از زرق و برق و شکوه قسطنطنیه و کلیسای «سنت صوفیه» چنان مسحور شده‌با زگشتند که گفتند: «نمی‌دانستیم در آسمانیم یا روی زمین ! به این ترتیب، روسیه مسیحیت ارتدوکس شرقی را از بن‌بازس پذیرفت؛ تصمیمی ژئوپلیتیک که سرنوشت یک تمدن را برای همیشه از رُم لاتین، که بعدها هسته تمدن اروپای غربی شد، جدا کرد. تنها چند دهه پس از این رخداد، در سال ۱۰۵۴ میلادی، «شکاف بزرگ» میان کلیسای رم و کلیسای قسطنطنیه رخ داد. از آن لحظه، اروپای غربی کاتولیک، قلمرو ارتدوکس شرقی را «دیگری» «بدعت‌گذار و بدوی پنداشت. «ابرت سرویس» استاد تاریخ روسیه در دانشگاه اکسفورد، در کتاب «تاریخ روسیه مدرن: از نیکولای دوم تا پوتین» تصریح می‌کند: «این جدایی مذهبی نخستین و ژرف‌ترین سنگ‌بنای بیگانگی میان روس‌ها و اقوام لاتین تبار و ژرمن اروپای غربی بود؛ خط‌کشی نامرئی اما تسخیرناپذیری که قرن‌ها بعد صورت‌های نوین ایدئولوژیک به خود گرفت». اما شکاف فرهنگی با فاجعه‌ای مادی همراه شد. اوایل قرن سیزدهم، سواران مغول دشت‌های شرق اروپا را درنوردیدند. تسلط بیش از دو قرن «اردوی زرین» بر امربرشین‌های روس، مسیر توسعه منطقه «مسکووی» را به کلی دگرگون کرد. در حالی که اروپای غربی در مسیر خروج از قرون وسطی، تولد نهاد‌های حقوقی، منشور کبیر (ماگاناکارتا: منشور اعلام حقوقی، منشور کبیر (ماگاناکارتا: منشور اعلام حکومت مشروطه در انگلیس) و احیای خردگرای کام برمی‌داشت، مسکو در انزوای کامل، مالیات‌بده خان‌های مغول بود. «ریچارد پایپس» مورخ برجسته دانشگاه هاروارد، در کتاب کلاسیک خود، «روسیه تحت سلطه رژیم کهن»، با استفاده از شواهد تاریخی نشان می‌دهد این دوران طولانی چگونه الگوی حکومت‌داری «پاتریمونِیال» یا «خویشاوندسالاری» را در مسکو نهاده‌ین کرد؛ الگویی که در آن حاکم، کشور و مردم را دارایی مطلق و شخصی خود تلقی می‌کرد، دست برعکس روسی که در غرب و در راستای محدودسازی قدرت پادشاهان و اشراف و ارتقای جایگاه طبقه متوسط، بازرگانان و سرمایه‌داران جریان داشت.

■ سقوط قسطنطنیه و سودای «روم سوم»

با فرو ریختن دیوارهای قسطنطنیه در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست ترکان عثمانی، شوکی تمدنی ارتدوکس‌ها را دربرگرفت. برای شاهزادگان نوظهور حکومت «مسکو»، این واقعه نشانه‌ای الهی تصور شد. «فیلسوفیوس یسکوفی» «ایده‌آفرن شازدهم، در نامه‌ای تاریخی به «واسیلی سوم» دوک بزرگ مسکو، نظریه‌ای را بنیاد نهاد که به باور کانونی ژئوپلیتیک روسیه بدل شد: «دو روم سقوط کرده‌اند، روم سوم، یعنی مسکو، برپاست و چه‌امی نخواهد بود». این نظریه تنها یک ایده مذهبی نبود؛ یک رسالت تمدنی بود. مسکو خود را آخرین دژ حقیقت و اخلاق در برابر جهان سقوط کرده و فلسدافرض می‌کرد. اروپای کاتولیک و بعد‌ها پروتستان، از دید راهبان منطقه حاکمیت «مسکووی»، خائنان به روح‌راستین مسیحیت بودند. به این ترتیب، یک پادوکس هویتی زاده‌شد؛ احساس برتری اخلاقی - معنوی همراه باترسی عمیق از تهاجم نظامی غربی‌ها. در ذهنیت حکومت «مسکووی»، غرب‌به یک الگو، بلکه خطری الهیاتی و سرزمینی تلقی می‌شد.

شوالیه‌های «تتونیک» و «لیونی» (شوالیه‌های مشهور معبد که با حمایت پاپ در جنگ‌های صلیبی فلسطین شرکت داشتند)، از غرب به مرزهای اسلاوها هجوم می‌بردند. پیروزی «الکساندر نوسکی» (قهرمان مبارزه با مهاجمان غربی به روسیه در قرن سیزدهم) بر شوالیه‌ها، طی «نبرد روی یخ» در سال ۱۲۴۲ میلادی، به عنوان نخستین برخورد حماسی روس‌ها و غرب در تاریخ‌نگاری روسیه ثبت شد؛ نبردی که در آن روس‌ها خود را مدافعان بقای ایمان در برابر هجوم متجاوزان صلیبی غربی می‌دیدند.

■ به حرکت در آمدن تیغ تزار

با آغاز قرن هجدهم، پرده‌ای تازه از این درام آغاز شد. جوانی غول‌پیکر با اراده‌ای پولادین بر تخت تزار نشست: «پتر یکم»،



تاریخ

نگاه

میرزا کوچک خان به روس‌ها چه گفت؟

قیام میرزا کوچک خان جنگلی، با هدف بیرون راندن بیگانگان از کشور، در سال ۱۲۹۴ هجری شمسی آغاز شد. هنوز دو سال از جنگ جهانی اول سپری نشده‌و خاک ایران، عرصه تاخت‌و تاز اجنب بود‌که روس‌ها از شمال، انگلیسی‌ها از جنوب و عثمانی‌ها از غرب، نیروهای نظامی خود را در ایران کرده بودند و کشور ما به عرصه زورآزمایی و جدال آن‌ها تبدیل شده‌بود. با پیروزی انقلاب کمونیستی در شوروی، رهبران این کشور سعی کردند با نفوذ در نهضت جنگل، این حرکت استقلال طلبانه را به عرصه‌ای برای اشاعه افکار مارکسیستی و نفوذ سیاسی و اجتماعی در ایران تبدیل کنند. در چنین وضعی بود که گروهی از یاران اولیه میرزا، مانند احسان الله خان، فریب روس‌ها را خوردند و به دامان کمونیست‌ها درغلندیدند؛ اما میرزا که همواره از تیزبینی سیاسی خاصی برخوردار بود، فریب ظاهر انقلابی کمونیست‌ها را نخورد. او می‌دانست که دیر با زود کمونیست‌ها موضع اصلی خود را آشکار می‌کنند و پس از آن، در پی حذف مبارزان جنگل خواهند بود. پیش‌بینی او خیلی زود محقق شد. درست زمانی که برخی از مبارزان در گیلان، سنگ کمونیست‌ها را برای مقابله با انگلیس به سینه می‌زدند، کراسین، نماینده شوروی، روز ۵ خرداد سال ۱۲۹۹ هجری شمسی، دست‌دوستان انگلیسی‌اش را در لندن فشرده و قراردادی با آن‌ها امضا کرد که شوروی را متعهد به عدم مقابله با انگلستان در ایران می‌کرد. میرزا که پیش از این، با سفر کراسین به لندن، به رفتار پلشویک‌ها مشکوک شده‌بود، همراه یاران وفادارش به داخل جنگل رفت و جنگ علیه شوروی و انگلیس را به صورت هم‌زمان آغاز کرد. مبارزات میرزا کوچک‌خان با روی کار آمدن دولت کودتا و به وزارت جنگ رسیدن رضاخان در کابینه سیاه، شدتی مضاعف پیدا کرد. شرایط سخت پیش آمده، مقامات شوروی را بر آن داشت تا بار دیگر از در فریب وارد شوند و شانس خود را برای فریفتن سردار جنگل بپزمایند؛ اما نامه میرزا به آن‌ها نشان داد که او، مرد سازش با هیچ دولت و نیروی خارجی نیست: «گمان کردید من مایلم با شما‌ها کار کنم‌که می‌نوسید با رفقایان مشورت خواهید نمود، بلکه مراب‌پذیرند! قطع بداندی کار کردن ما با شما‌ها غیرممکن است؛ زیرا عقاید شما و عملیات شما، از گروه زهر کشنده‌ای، کشنده‌تر است. رفقای شما به اسم طبقه کارگر، توده‌های گمان‌ناش چون تازه اول کار است کلمات فقرا، کسبه و رنجبر و رفیق خشک و خالی، خریدارانی دارد، غافل از اینکه تکت از پشت بام افتاده و از انبانه هر چه بوده سرازیر شده… ما، به شرافت زیست کرده‌ایم و با شرافت مراحل انقلابی را طی کرده و با شرافت خواهیم مرد.»

به اسم طبقه کارگر، توده‌های گمان‌ناش چون تازه اول کار

است کلمات فقرا، کسبه

و رنجبر و رفیق خشک و

خالی، خریدارانی دارد،

غافل از اینکه تکت از

پشت بام افتاده و از

انبانه هر چه بوده سرازیر

شده… ما، به شرافت

زیست کرده‌ایم و با

شرافت مراحل انقلابی

را طی کرده و با شرافت

خواهیم مرد.»

نیم‌نگاه

عملیات نجات جام جهانی با جعبه کفش!

نوائیان | نخستین جام طلا را که باید به برنده جام جهانی فوتبال اعطای می‌شد، یک مجسمه‌ساز فرانسوی به نام «آبل لافلتور» ساخت؛ جامی با بیش از ۳ کیلوگرم وزن و پایه‌ای از جنس سنگ لاچورد که ۳۵ سانتیمتر ارتفاع داشت. در ابتدا نام این جام را «پیروزی» گذاشته بودند؛ اما در سال ۱۹۶۴م، به افتخار ژول ریمه، بنیان‌گذار جام جهانی فوتبال، آن را «جام ژول ریمه» نامیدند. این جام تا سال ۱۹۷۰م که به دلیل سه با قهرمانی برزیل، برای همیشه به فدراسیون فوتبال این کشور واگذار شد، دست به دست می‌چرخید و هر چهار سال یک بار، کاپیتان تیم قهرمان جام جهانی، آن را بالای سر می‌برد. با این حال، شاید خیلی‌ها ندانند که به دلیل برگزار نشدن جام جهانی بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۰م، جام ژول ریمه در ایتالیا، یعنی فاتح مسابقات سال ۱۹۳۸م ماند.

■ هیتلر جام ژول ریمه را می‌خواست

هیتلر، با رویکرد نژادپرستانه‌ای که داشت، طالب کسب جام جهانی برای آلمان بود و حالا که به دلیل زبانه کشیدن نازر جنگ در اروپا، نمی‌توانست جام را به صورت رسمی و با مسابقه فوتبال، به آلمان بیاورد، ترجیح داد آن را از ایتالیا بگیرد و در خزانه دولت آلمان نگهداری کند؛ اتفاقی که به نوعی، توهین مستقیم به مردم ایتالیا و فوتبال قدرتمند آن بود. در آن زمان، موسولینی بر ایتالیا حکومت می‌کرد و به نظر می‌رسید او مخالفتی با این خواست هیتلر نداشته باشد. اما فوتبالیست‌های ایتالیایی و مسئولان فدراسیون این کشور، جام ژول ریمه را با بدبختی بدست آورده بودند و نمی‌خواستند این افتخار را قربانی بازی‌های سیاسی حکومت فاشیست ایتالیا کنند. خبر واگذاری جام ژول ریمه به آلمان، به صورت محرمانه به اطلاع اوتورینو باراسی، نایب رئیس وقت فدراسیون فوتبال ایتالیا رسید و او، در اقدامی انتحاری، به بانک محل نگهداری جام در رُم رفت. آن جعبه کفش استفاده و آن جعبه را با مهارت زیر تخت خوابش پنهان کرد. نکته جالب اینجاست که حکومت فاشیستی ایتالیا، باراسی را بازداشت کرد و شکنجه داد؛ اما نتوانست محل اختفای جام را پیدا کند. حتی خانه باراسی با دقت و اوارسی شد، اما جام را در آنجا پیدا نکردند. با فداکاری نایب رئیس فدراسیون فوتبال ایتالیا، جام ژول ریمه از تعرض نازی‌ها مصون ماند و در سال ۱۹۵۰م، به برزیلی‌ها رسید.



مشهور خود در «فولتون» (در میسوری آمریکا) اعلام کرد: «از استتین در بالتیک تا تریسته در آدریاتیک، پرده‌ای آهنین بر سراسر قاره فرود آمده‌است». نبرد ژئوپلیتیک بلوک شرق و غرب آغاز شد. برای نیم قرن، مرزهای تقابل را به قلب اروپا کشیدند؛ تقابلی که در بحران‌های «شکاف برلین»، تشکیل «پیمان ناتو» در ۱۹۴۹ میلادی و تأسیس «پیمان ورشو» در ۱۹۵۵ میلادی تجسم یافت.

■ رویای نافرجام خانه مشترک اروپایی

باری کار آمدن «میخائیل گورباچف» در ۱۹۸۵ میلادی و اعلام سیاست‌های «گلاسنوست» (شفافیت) و «پروسترویکا» (بازسازی اقتصادی)، فصلی تازه در تاریخ روسیه رقم خورد. گورباچف با ایده‌آلیسمی تاریخی از ایده «خانه مشترک اروپایی» سخن گفت؛ مفهومی که بر پایه آن، روسیه و غرب اختلافات کهن را کنار می‌گذارند و بر اساس منافع مشترک قاره‌ای یکپارچه عمل می‌کنند. با فرو ریختن «دیوار برلین» در سال ۱۹۸۹ میلادی و انحلال اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، به نظر می‌رسید هزاره بیگانگی به پایان رسیده است. «فرانسیس فوکویاما» در مقاله و کتاب مشهور خود «پایان تاریخ و آخرین انسان» ادعا کرد «لیبرال دموکراسی» غربی، الگوی نهایی حکومت‌داری بشر است و روسیه ناگزیر در این مسیر جذب خواهد شد. اما دهه ۱۹۹۰ میلادی برای روس‌ها، یک دهه تراژیک بود. دوران «بوریس یلتسین» با «شوکرمانی» اقتصادی، ظهور الیگارش‌ها، فقر عمومی، سقوط ارزش روبل و جنگ داخلی در چین همراه شد. «استفن کوئتسین» استاد تاریخ دانشگاه «پرینستون»، در تحلیل‌های تاریخی خود اشاره می‌کند که فروپاشی شوروی نه آغاز دوستی، بلکه آغاز یک دوره گذار پر تنش بود. برای نخبگان امنیتی و نظامی روسیه، دهه ۱۹۹۰ میلادی نه دوران آزادی، بلکه دوره تحقیر ژئوپلیتیک و بهره‌برداری غرب از ضعف مفرط آن‌ها محسوب می‌شد. گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به سمت شرق، الحاق لهستان، مجارستان و جمهوری چک به ناتو در ۱۹۹۹ میلادی و سپس کشورهای حوزه بالتیک در ۲۰۰۴ میلادی، از دید استراتژیست‌های کرملین نقض وعده‌های شفاهی غرب مبنی بر عدم پیشروی ناتو به سوی مرزهای سنتی روسیه تلقی شد. بمباران «بلگراد» در جریان «جنگ کوزوو» در سال ۱۹۹۹ میلادی توسط ناتو، ضربه حیثیتی نهایی بود که روسیه را به شدت خشمگین کرد.

■ در حصار جبر جغرافیا

برای درک استمرار این تنش، باید نگاهی به نقشه هم‌بیندازیم. «تیم مارشال» پژوهشگر شناخته‌شده حوزه ژئوپلیتیک، در کتاب پر فروش خود با نام «زندانیان جغرافیا»، فصلی را به وضعیت روسیه اختصاص داده و نوشته است: «پاشنه آشیل راهبردی روسیه، دشت پهناور شمال اروپاست». این دشت وسیع از فرانسه تا کوه‌های اورال کشیده شده است. لهستان و اوکراین دروازه‌های مسطحی هستند که هیچ مانع طبیعی - مانند رشته‌کوه‌های بلند یا رودهای غیرقابل عبور - در آن‌ها برای جلوگیری از پیشروی یک ارتش مهاجم وجود ندارد. روس‌ها در ۵۰۰ سال گذشته بارها از همین مسیر مورد تهاجم قرار گرفته‌اند: لهستانی‌ها در ۱۶۰۵ و ۱۶۱۲ میلادی، سوئدی‌ها به رهبری «شارل دوازدهم» در سال ۱۷۰۸ میلادی، فرانسوی‌ها به رهبری ناپلئون در ۱۸۱۲ میلادی و آلمانی‌ها در ۱۹۱۴ و ۱۹۴۱ میلادی. این جبر جغرافیایی سبب شده است هر حاکمی در مسکو - چه تزار، چه دبیرکل حزب کمونیست و چه رئیس جمهور فدراتویر روسیه- ایجاد «عمق راهبردی» و مناطق حائل در اروپای شرقی را نه یک انتخاب توسعه‌طلبانه، بلکه یک ضرورت حیاتی برای حفاظت از امنیت ملی قلمداد کنند. از یک منظر، نفوذ یک بلوک نظامی غربی به این دشت‌ها، به طور تاریخی، به عنوان تهدیدی بر موجودیت روسیه تلقی می‌شود.

■ بالتیک تک تمام‌نشدنی شیف‌تگی و انزجار

هزار سال تنش میان روسیه و اروپا، نتیجه یک بازی ساده سیاسی نیست؛ برآیند برخورد ساختارهای ذهنی و نهادی متفاوت است. روسیه کشوری است که همزمان، هم با اروپا پیوند دارد و هم از آن جداست! از یک سو شاهکارهای «چایکوفسکی»، «تولستوی»، «تورگنیف» و «چخوف» بخش جدایی‌ناپذیر میراث تمدنی غرب محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، ساختار قدرت متمرکز، حافظه تاریخی سرشار از تهاجم و پیوندهای عمیق با سنت‌های ارتدوکس و اوراسیایی، سدی در برابر ادغام کامل آن در نظم لیبرال غربی ایجاد می‌کند.

این تقابل را می‌توان در واژگان «کارل مارکس» در کتاب «تاریخ دیپلماسی مخفی قرن هجدهم» نیز باز یافت،

جایی که او با بدبینی تاریخی خودش نوشت: «مسکووی در مکتب مغول‌ها آموزش دید و تزار‌ها صرفاً زبان مدرن را فرا گرفتند تا اهداف امپراتوری خود را پیش ببرند». هرچند این قضاوت‌های غربی اغلب آمیخته با «روس‌هراسی» قرن نوزدهمی بود، اما شکاف واقعی در ادراک دو جانبه در نشان می‌داد. اروپا پیوسته روسیه را به عنوان بازیگری نگرسته است که به اندازه کافی دموکراتیک، قانون‌مدار و غربی نیست و روسیه هم، تقریباً همیشه اروپا را مغرور، زیاده‌خواه و بی‌توجه به دغدغه‌های امنیتی و هویت تاریخی خود دیده است. این دور باطل تاریخی نشان می‌دهد تا زمانی که این دو همسایه نتوانند به چارچوبی دست یابند که در آن نه مسکو احساس انزوا و تهدید هویتی کند و نه قاره سبز در سایه ترس از اقتدارگرایی شرقی به سر برد، شبح تنش بر سر مرزهای مشترک آنان پرواز خواهد کرد؛ سرنوشتی تراژیک برای سرزمینی که «پوشکین» روزگاری آن را پیوندگاه دو جهان خواند، اما تاریخ آن را بدل به کانون رویارویی همیشگی شرق و غرب کرد.

■ توهم بالکان، جنگ کریمه و پایان یک افسانه

توهم شکست‌ناپذیری روسیه در میانه قرن نوزدهم فور ریخت. تسلیحات قدیمی و اقتصادی دهقانی در برابر کشتی‌های بخار، تسلط بر تنگه‌های «بسنفر» و «داردانل»، زنگ‌های خطر را در لندن و پاریس به صدا درآورد. اروپایی‌ها تاب تحمل حرکت روس‌ها به سوی آب‌های گرم مدیترانه را نداشتند. جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۳ میلادی) صحنه تقابل تمام‌عیار بریتانیا، فرانسه و ناپلئون سوم و پادشاهی ساردری در کنار امپراتوری عثمانی علیه روسیه بود. در این جنگ، لغای‌های غرب گرایانه کنار رفت و منافع ژئوپلیتیک عریان شد. روسیه با خطوط راه‌آهن ناکافی، تسلیحات قدیمی و اقتصادی دهقانی در برابر کشتی‌های بخار، تنگن‌های خان‌دار و توپ‌های مدرن متفقیین غربی تاب نیاورد؛ روس‌ها شکست خوردند. جنگ کریمه پیامی سهمگین به همراه داشت: پیامی که اعلام می‌کرد شکاف فناوری میان روسیه و اروپای غربی، خطری حیاتی برای بقای امپراتوری است. «الکساندر دوم» برای جبران این شکست دست به اصلاحات ساختاری زد؛ از جمله لغو قانون سَرَف‌داری (بهره‌کشی برده‌وار در دهقانان) در ۱۸۶۱ میلادی. اما زخم جنگ کریمه التیام نیافت. روس‌ها در یافتند که غرب هرگز یک روسیه قدرتمند را در باشگاه قدرت‌های مسلط دنیا نخواهد پذیرفت.

■ بلشویسم: لباسی تازه بر قامت امپراتوری

وقتی در اکتبر ۱۹۱۷ امپراتوری تزار‌ها در کوران جنگ جهانی اول سرنگون شد و «ولادیمیر لنین» و بلشویک‌ها قدرت را به چنگ آوردند، به ظاهر ایدئولوژی مسیحی ارتدوکس با ماتر یالیسم دکتلیتیک و مارکسیسم آلمانی جایگزین شد. اما اگر پوسته سکولار و الحادی این تغییر عیار بود، کنار بزینم، ساختار همان است که بود؛ روسیه بار دیگر خود را پیشاهنگ نجات بشریت از تباهی سرمایه‌داری غربی معرفی می‌کرد. «نیکولای بردیایف» فیلسوف برجسته روس که سال ۱۹۲۲ میلادی از شوروی تبعید شد، در اثر ماندگارش «خاستگاه‌های کمونیسم روسی»، تحلیلی قابل تأمل ارائه می‌دهد: «کمونیسم در روسیه نه یک نظریه اقتصادی علمی، بلکه صورت تغییرشکل یافته همان ایدئولوژی دین یین مسکو به عنوان روم سوم بود. انترناسیونال سوم جانشین روم سوم شد تا نور را از روسیه به جهان سرمایه‌دار و تاریک غرب بتاباند». در دوران میان دو جنگ، اروپای غربی بلشویسم را به عنوان «طاعون سرخ» تحریم و منزوی کرد و نیروهای مداخله‌گر غربی در جنگ داخلی روسیه، در کنار ارتش «روس‌های سفید» (مخالقان انقلاب کمونیستی) جنگیدند. این اقدام پارائوایی سنتی روس‌ها در باره محاصره سرزمینی توسط دشمنان را به سطحی سیستماتیک ارتقا داد.

■ آزمون حیات: جنگ میهنی و فتح برلین

جنگ جهانی دوم و تهاجم آلمان نازی در قالب «عملیات بارباروسا»، در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ میلادی، هولناک‌ترین آزمون تقابل روسیه و غرب بود. برای آدولف هیتلر، روس‌ها فقط «مادون» انسان‌هایی بودند که باید تا یشت کوه‌های «اورال» رانده می‌شدند و زمین‌هایشان به دست اربابان آریایی اداره می‌شد. نبرد «استالینگراد»، محاصره ۹۰۰ روزه «لنینگراد» و نبرد تانک‌ها در «کورسک»، تاریخ را دگرگون کرد. بیش از ۲۷ میلیون شهروند و سرباز شوروی جان باختند؛ هزینه‌ای سهمگین که هیچ کشور غربی تصویری از آن نداشت. در ماه می سال ۱۹۴۵ میلادی، پرچم سرخ شوروی بر فراز «رایشس‌تاگ» (ساختمان پارلمان آلمان) در برلین به اهتزاز درآمد. اما اتحاد تاکتیکی شوروی با بریتانیا و ایالات متحده حتی پیش از خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم شروع می‌شد. نبرد «استالینگراد» و «ویساریون بلینسکی» در مارس ۱۹۴۶ میلادی «وینستون چرچیل» در سخنرانی

روایت جوان اصفهانی از تبدیل یک دغدغه محیط زیستی به تولید «کمپوست ساز خانگی»

زباله‌ها باید دوباره به خاک برگردند



عباسعلی سپاهی یونسی | میهمان این هفته من محمد مهدی نقیه، متولد ۱۳۷۷ در اصفهان، از آن دسته جوانانی است که مسیر فعالیتش در حوزه محیط زیست نه از تحصیلات تخصصی در این حوزه، بلکه از یک دغدغه فرهنگی و پرسش‌های بنیادی درباره زندگی آغاز شد. آشنایی او با موضوع تغییرات اقلیمی، مطالعه و تماشای مستندهای محیط زیستی و سپس مواجهه با مسئله‌ای که شاید برای بسیاری از ما عادی شده باشد، یعنی «زباله»، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. او به این نتیجه رسید چیزی که ما به سادگی «زباله» می‌نامیم، در بخش بزرگی از موارد می‌تواند دوباره به چرخه طبیعت بازگردد و حتی کمکی باشد برای زمین. حاصل چند سال تحقیق، آزمون و خطا، تحمل موانع اداری و تلاش برای تولید داخلی، شکل گیری «زی‌زا»، کمپوست ساز خانگی است؛ محصولی که قرار است مدیریت پسماند تر را از مقصد، به مبدأ و داخل خانه‌ها منتقل کند.

از دغدغه فرهنگی تا دغدغه زمین

من متولد سال ۱۳۷۷ در اصفهانم. در دوران مدرسه هم مثل خیلی از بچه‌ها مسیر معمول تحصیل را طی کردم، اما همیشه به درس‌هایی مثل ریاضی، فیزیک و هندسه علاقه بیشتری داشتم و معلم‌هایی که این درس‌ها را تدریس می‌کردند، برایم جذاب تر بودند. تا سال‌ها دغدغه اصلی من محیط زیست نبود. دغدغه‌های فرهنگی، آموزشی و هویتی برایم جدی تر بود. همیشه این سؤال‌ها برایم مطرح بود که انسان برای چه آمده، قرار است چه کاری انجام بدهد و اصلاً معنای زندگی چیست. در یک مجموعه فرهنگی رفت و آمد داشتم و از همان سال‌های اول دبیرستان با دوستانی آشنا شدم که روی این مسائل کار می‌کردند. یکی از همین دوستان که از من بزرگ‌تر بود، بعدها مسیر فکری من را به سمت دیگری برد.

او ابتدا در حوزه سلامت فعالیت می‌کرد و بعد وارد حوزه محیط زیست شده بود. سال ۱۴۰۱، تعدادی کتاب و محتوا در اختیارم گذاشت تا مطالعه کنم. تا آن زمان آدم محیط زیستی به معنای امروزی کلمه نبودم؛ یعنی مثلاً دغدغه جمع‌آوری زباله از طبیعت یا فرونشست زمین و کم‌آبی اصفهان برایم جدی نشده بود.

مطالعه آن مطالب سبب شد با موضوع گرمایش زمین جدی‌تر روبه‌رو شوم. مستندهای مختلفی درباره تغییرات اقلیمی دیدم و برایم سؤال شد وقتی دمای میانگین زمین تغییر می‌کند، دقیقاً چه اتفاقی برای زندگی انسان و طبیعت می‌افتد. اینکه افزایش دما می‌تواند روی تخیل، بارش، خشکسالی، بیابان‌زایی و حتی یخ‌های قطبی اثر بگذارد. برایم بسیار جدی شد.

مستند «یک حقیقت ناخوشایند» ال گور هم برایم جالب بود. فارغ از اینکه با همه دیدگاه‌های او همسو باشم، نحوه توضیح علمی مسئله برایم قابل توجه بود. در این مستندها می‌دیدم تغییرات اقلیمی فقط یک بحث نظری نیست؛ اتفاقاتی است که آثارش در نقاط مختلف جهان قابل مشاهده است. برای من، اینجا یک نقطه عطف بود؛ اینکه فهمیدم نمی‌توانیم طبیعت را تخریب کنیم و بعد فقط منتظر باشیم مشکلات با راه‌حل‌های مقطعی برطرف شوند. طبیعت، قانون و سازوکار خودش را دارد و اگر این سازوکار را به هم بزنیم، باید منتظر پیامدهای هم باشیم.

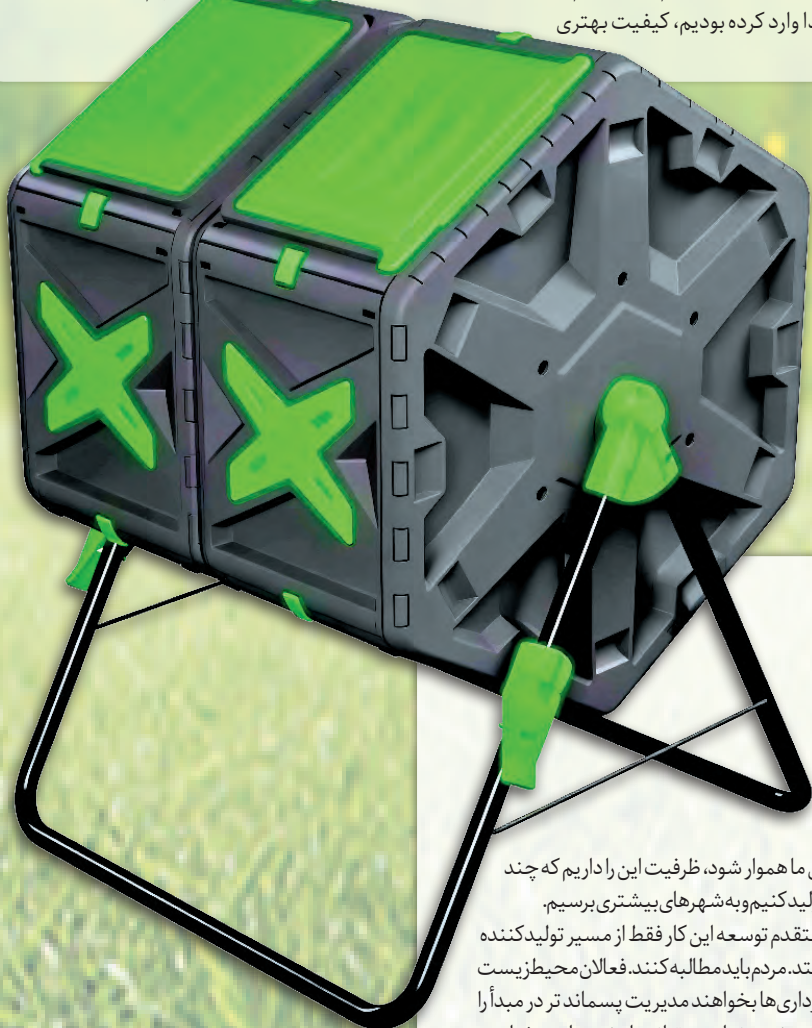
وقتی زباله دیگر زباله نبود

پس از مدتی که درباره گرمایش زمین مطالعه کردم، به موضوع گازهای گلخانه‌ای و منابع تولید آن‌ها رسیدم. در ادامه تحقیق، موضوع متان برایم جدی شد و فهمیدم بخشی از انتشار این گاز به محل‌های دفن و تجزیه پسماند برمی‌گردد. همین مسئله سبب شد بیشتر درباره زباله تحقیق کنم. تا آن زمان، زباله برای من همان چیزی بود که پس از مصرف باید داخل سطل بریزیم و شهرداری آن را جمع کند. اینکه پس از آن چه اتفاقی می‌افتد، برایم اهمیتی نداشت. اما در جریان تماشای یک مستند خارجی، با نمونه‌هایی مواجه شدم که خانواده‌ها پسماند تر خودشان را در مخزن‌های کوچک مدیریت می‌کردند و در نهایت از آن کمپوست تولید می‌شد.

همان جابری نخستین باریک سؤال جدی در ذهنم شکل گرفت؛ چرا چیزی که ما آن را زباله می‌دانیم، می‌تواند دوباره به طبیعت برگردد؟ چرا چیزی که تصور می‌کنیم باید از زندگی ما خارج شود، می‌تواند دوباره تبدیل به ماده‌ای مفید برای خاک شود؛ و واقعاً یک اتفاق فکری در ذهنم افتاد. انگار بخشی از تصویری که سال‌ها درباره زباله داشتم، فرو ریخت. شروع کردم به جست‌وجو درباره اینکه آیا چنین چیزی در ایران وجود دارد یا نه. هرچه بیشتر بررسی کردم، دیدم بخش قابل توجهی از اخبار حوزه پسماند

یکی از مهم‌ترین بخش‌های مسیر ما، تبدیل یک نمونه وارداتی به محصولی بود که بتوانیم آن را در ایران تولید کنیم. وقتی دستگاه را از چین آوردیم، تقریباً همه می‌گفتند ساخت نمونه ایرانی آن ممکن نیست یا کیفیت تولید داخلی به پای نمونه خارجی نمی‌رسد. ما اما تصمیم گرفتیم ریسک کنیم. در ابتدا برای ساخت قالب‌ها استعمال گرفتیم. در سال ۱۴۰۲ هزینه‌ای که برای ساخت قالب‌ها اعلام شد حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بود. بعد قیمت‌ها افزایش پیدا کرد و رقم به حدود ۴ میلیارد تومان رسید و ما واقعاً سرمایه‌ای نداشتیم. حتی برای پیش‌پرداخت هم مشکل داشتیم. به چند مجموعه برای دریافت تسهیلات و سرمایه‌گذاری مراجعه کردیم، اما به دلیل ریسک بالای طرح، کسی حاضر نشد سرمایه‌گذاری جدی انجام دهد. خیلی‌ها می‌گفتند شما قرار است با مردم کار کنید، فرهنگ استفاده هنوز شکل نگرفته و احتمال شکست بالاست. در نهایت یکی از دوستانی که در حوزه قالب‌سازی فعالیت می‌کرد، پذیرفت در پروژه با ما همکاری کند. توافق کردیم بخشی از هزینه را در ابتدا دریافت کند و بقیه هزینه‌ها به تدریج پرداخت شود. به این شکل پروژه را جلو بردیم.

در نهایت قالب‌هایی که ابتدا قرار بود با حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان ساخته شوند و بعد برآوردشان به حدود ۴ میلیارد تومان رسیده بود، با ساخت داخلی و مدیریت هزینه، حدود یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برای ما تمام شدند. قالب‌ها را در خود اصفهان ساختیم و بعد وارد مرحله تولید شدیم. امروز اگر نمونه چینی را کنار نمونه ایرانی قرار بدهیم، از نظر کیفیت قالب و مواد اولیه، می‌توانیم تفاوت‌ها را نشان بدهیم و معتقدیم نمونه ایرانی ما از نمونه‌ای که ابتدا وارد کرده بودیم، کیفیت بهتری



توسعه پیدا کنند؛ نه فقط با حمایت مالی، بلکه با برداشتن موانع و تسهیل فرایندهای قانونی. امروز یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما زمان طولانی قراردادهای شهرداری‌هاست. گاهی از زمانی که یک شهر اعلام می‌کند محصول را می‌خواهد تا زمانی که قرارداد بسته و پرداخت انجام شود، چند ماه زمان می‌برد. در این فاصله ممکن است مدیران عوض شوند، فرایندها از ابتدا شروع شود و یک فرصت محیط زیستی از بین برود.

ما دنبال دور زدن قانون نیستیم؛ اتفاقاً درخواستمان این است اگر محصولی تولید داخلی است، برای نخستین بار تولید شده و مراحل لازم را طی کرده است، مسیر قانونی مناسبی برای خرید آن وجود داشته باشد تا شهرداری‌ها مجبور نباشند برای هر خرید ماه‌ها درگیر فرایندهای فرسایشی شوند.

امروز تیم ما ۲۳ نفره است؛ از تولید محتوا و پشتیبانی گرفته تا برنامه‌نویسی، تولید، فروش، امور قراردادها، حقوقی و حسابداری. این تیم توان چند برابر شدن دارد. اگر مسیر



یک آزمایش ساده در خانه

پیش از اینکه دستگاهی از خارج وارد کنیم، تصمیم گرفتیم خودمان این فرایند را امتحان کنیم. در خانه یک سطل بزرگ داشتم که مربوط به یک کار قبلی بود و مدتی در انباری مانده بود. آن را آوردم، داخلش خاک ریختم، پسماند تر ریختم، دوباره خاک ریختم و همین‌طور لایه‌لایه ادامه دادم. دوسه ماه بعد که سراغش رفتم، دیدم واقعاً مواد داخل آن به کمپوست تبدیل شده است. همین تجربه کوچک برای من بسیار مهم بود. از آن به بعد، هرکس می‌گفت این کار در ایران جواب نمی‌دهد، می‌گفتم من خودم در خانه امتحان کرده و جواب گرفته‌ام. در مرداد ۱۴۰۲ دوباره با مجموعه مدیریت شهری اصفهان صحبت کرده و یکی از طرح‌هایی که ارائه کرده بودیم، مدیریت پسماند تر مبدأ را کمپوست ساز خانگی بود. آنجا به ما گفته شد اگر بتوانیم دستگاه را آزمایش کنیم و نتیجه بگیریم، امکان خرید تعداد قابل توجهی از دستگاه وجود دارد.

ما شروع کردیم به بررسی مدل‌های مختلف. مدلی را انتخاب کردیم که به شرایط اقلیمی ایران و استفاده در خانه‌های ویلایی و آپارتمانی نزدیک‌تر باشد. حدود مهر و آبان ۱۴۰۲ توانستیم یک دستگاه از چین تهیه کنیم. خود دستگاه حدود ۲/۵ میلیون تومان قیمت داشت، اما با واسطه‌ها، حمل هوایی، گمرک و هزینه‌های دیگر، حدود ۱۴ میلیون تومان برایمان تمام شد. دستگاه که رسید، هنوز خودمان هم مطمئن نبودیم قرار است دقیقاً چه اتفاقی بیفتد. آن را سرهم کردیم و برای آزمایش و گرفتن نظر افراد مختلف،

زباله باید در خانه مدیریت شود

مدیریت نکرده‌اند؛ بلکه کمپوست تولید شده را در گلدان‌ها و فضای سبز خانه استفاده کرده‌اند. حتی افرادی داشته‌ایم که پشت‌پام کوچک خانه‌شان را به فضای سبز تبدیل کرده‌اند. برای من این دقیقاً همان چیزی است که از ابتدا دنبالش بودم؛ اینکه فردی که تا دیروز زباله را تحویل شهرداری می‌داد، امروز خودش بخشی از فرایند بازگشت ماده‌ای به طبیعت باشد. کمپوست فقط برای خانه نیست. می‌توان از آن در کشاورزی، فضای سبز شهری و احیای خاک استفاده کرد. می‌تواند به بهبود ساختار خاک، حفظ رطوبت و افزایش مواد آلی کمک کند و در مناطق خشک نیز در قالب مالچ آلی مورد استفاده قرار گیرد. اگر پسماند تر در مبدأ مدیریت شود، مقدار زیادی از آب موجود در آن در فرایند طبیعی تجزیه از بین می‌رود و در نتیجه، حجم ماده‌ای که باید حمل شود، به شکل محسوسی کاهش پیدا می‌کند.

آزروی من برای ادامه مسیر این است که این طرح در کشور

ما روزانه با حجم بسیار بزرگی از تولید پسماند در کشور مواجهیم. بخش قابل توجهی از آن را پسماند تر تشکیل می‌دهد و این بخش، اگر در مبدأ مدیریت شود، می‌تواند به جایی اینک همراه سایر زباله‌ها حمل و دفن شود، در همان محل تولید به کمپوست تبدیل شود.

زی‌ز برای همین طراحی شده است؛ برای حیاط خانه، خانه‌های ویلایی، بالکن و تراس و فضاهای مناسب آپارتمانی. مخزن آن برای مدیریت پسماند تر یک خانوار سه تا پنج نفره در یک دوره حدوداً یک ماهه طراحی شده است. پسماند‌هایی مثل پوست میوه و سبزی، تفرقه چای و قهوه، پوست تخم مرغ و کاغذ‌های بدون رنگ را می‌توان در آن قرار داد. فرایند، بدون نیاز به برق و تجهیزات پیچیده انجام می‌شود و بسته به شرایط، معمولاً ۳۳ تا ۳۵ روز زمان می‌برد تا کمپوست آماده شود.

تجربه کاربرانی که دستگاه را در خانه گذاشته‌اند، برای ما بسیار امیدوارکننده بوده است. بعضی از آن‌ها فقط پسماندشان را

روایت طوس از «چهارشنبه‌های شهدایی» مرزبانی خراسان رضوی با حضور خانواده سه شهید جنگ رمضان

از سربازی تا شهادت؛ تنها چند روز تا پایان خدمتش مانده بود

فریده خسروی | گذران زندگی، خیلی از چیزها را با یاد انسان می‌برد؛ آنچه از یاد انسان نمی‌رود، داغ عزیزان است». این جمله آقای شهید ایران را پس از شهادتش زیاد شنیده‌ایم. ایشان این جمله را سه سال پیش در دیدار خانواده‌های شهدا بیان کردند. در ادامه این جمله، امام شهیدمان از علو درجاتی که پدر و مادر شهدا به واسطه این رنج نزد خدا بدست می‌آورند، می‌گویند و از عظمتی که قدرت تحمل این رنج به انسان می‌بخشد.

بی تردید باید دلی به وسعت دریا داشت که دلت راضی شود و جگرگوشت‌های را که عمری با خون دل بزرگ کرده‌ای، در راه خدا بدهی و این رنج را تحمل کنی. عظمت صبر پدران و مادران شهدا را نمی‌توان با هیچ واژه‌ای توصیف کرد؛ چراکه آنان تنها عزیزترین دارایی زندگی‌شان را از دست نداده‌اند؛ بلکه با تمام وجود پذیرفته‌اند که این داغ را برای رضای خدا به جان بخرند و سال‌ها با جای خالی فرزندان زندگی کنند. داغی که شاید با گذر زمان از شدت سوزش آن کاسته شود، اما هیچ‌گاه از دل نمی‌رود و هر بار با دیدن عکس، شنیدن نام یا مرور خاطره‌ای از فرزند، دوباره تازه می‌شود. اینجاست که صبر معنا پیدا می‌کند؛ صبری که از جنس فروموشی نیست؛ بلکه از جنس ایمان و رضایت است؛ اینکه انسان بداند عز یش را در راهی داده که به باور او، ارزشمندتر از ماندن او در کنار خانواده بوده است.

چهارشنبه‌های شهدایی مرزبانی خراسان رضوی

قدردانی از این اسوه‌های صبر و استقامت وظیفه همه‌ماست. در همین چارچوب، مرزبانی خراسان رضوی حدود یک سال و نیم است که هر هفته برنامه‌ای با عنوان «چهارشنبه‌های شهدایی» را با حضور خانواده شهدا برگزار می‌کند. روز گذشته نیز، همزمان با هفته فراجا، مرزبانی میزبان پدران و مادران شهدای مرزبان جنگ رمضان بود؛ پدران و مادرانی که فرزندان‌شان را در راه دفاع از مرزهای این سرزمین تقدیم کرده‌اند.

شهیدان امیرمهدی قربانی، فرشاد بنام و امید تونذه‌جانی، از جوانان نیشابور و روستاهای شهرستان فیروزه بودند که به خدمت سربازی رفته و صبح‌نهم اسفندماه سال گذشته، در حالی که تنها چندروز به پایان خدمت‌شان باقی مانده بود، در حمله رژیم تروریستی آمریکا به پاسگاه پسانبدر چابهار به شهادت رسیدند.

هنوز یک سال از این فراق جان‌سوز نگذشته است؛ رنجی که به قول سرگرد مجتبی بیهقی، معاون فرهنگی و اجتماعی

گزارش

طوس | عصر روز گذشته جشنواره روز ملی روستا و عشایر با عنوان گرامیداشت دهقان توس در جلوخان آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در مشهد برگزار شد.

سیداحسان قاضی‌زاده هاشمی؛ نماینده مردم فریمان و سرخس در مجلس شورای اسلامی، علیرضا قاضی؛ معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری خراسان رضوی و سیدحسن حسینی؛ فرماندار مشهد نیز از جمله مسئولانی بودند که در این مراسم حضور داشتند.

در حاشیه این رویداد، نمایشگاه عرضه مستقیم دستاوردهای زنان روستایی و شهری با ارائه محصولات در قالب غرفه هر روستا به صورت مجزا، برپا شد. قاضی‌زاده‌هاشمی در این جشنواره بر توسعه طرح‌های بوم‌گردی و ظرفیت‌های گردشگری در خراسان رضوی تأکید و بیان کرد؛ با وجود اقدام‌های انجام‌شده در حوزه گردشگری، در زمینه توسعه طرح‌های بوم‌گردی و ظرفیت‌های گردشگری روستاهای استان و شهرستان مشهد همچنان راه زیادی برای طی کردن وجود دارد.

او ظرفیت‌ها و مزیت‌های هر روستا را متفاوت خواند و تشریح کرد: روستاهای خراسان رضوی با دارای محصولات کشاورزی شاخص هستند یا صنایع

خراسان شمالی

سهمیه آرد نانوائی‌های استان بازنگری می‌شود

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار خراسان شمالی گفت: فرایند درجه‌بندی نانوائی‌های استان از ۱۵ مهرماه آغاز شده و پس از تکمیل این فرایند، سهمیه آرد خبازی‌ها متناسب با درجه و شاخص‌های کیفی آن‌ها بازنگری می‌شود.

به گزارش خبرگزاری فارس، هادی رجائی نیا در کارگروه ساماندهی گندم، آرد و نان استان اظهار کرد: فرایند درجه‌بندی نانوائی‌های استان از ۱۵ مهر آغاز شده و پس از تکمیل این فرایند، سهمیه آرد خبازی‌ها متناسب با درجه و شاخص‌های کیفی آن‌ها بازنگری می‌شود.

وی گفت: در فرایند درجه‌بندی نانوائی‌ها، شاخص‌های مرتبط با تولید نان باکیفیت، سالم و بهداشتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و نتیجه این ارزیابی در تعیین میزان سهمیه آرد نانوائی‌ها مؤثر خواهد بود.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار خراسان شمالی افزود: ۶۲ نانوائی آرد نیمه‌پارانه‌ای در استان به سامانه و کارتخوان نانینو مجهز شده‌اند که این اقدام، امکان نظارت دقیق‌تر و هوشمندتر بر عملکرد نانوائی‌ها را فراهم می‌کند.

مرزبانی خراسان رضوی، می‌توان آن را از شکستگی چهره این مادران و پدران در این چندماه دوری متوجه شد. مرزبانی خراسان رضوی برای تکریم از این پدران و مادران شهدا، وسیله ایاب‌و‌هاب و پذیرایی آنان را از منزل تا مشهد فراهم کرده است. پس از یک شب اقامت در مشهد، صبح روز گذشته این خانواده‌ها را حرم مطهر رضوی شدند تا به زیارت امام مهربانی‌ها بروند؛ پس از زیارت نیز به رواق دارالذکر رفتند تا با حضور بر مزار مطهر شهید امام خامنه‌ای (ره) و خانواده شهیدشان، به امام شهیدامت ادای احترام کنند. در ادامه این برنامه، پدران و مادران شهدا میهمان مهمانسرای حضرت شدند و صبحانه حضرتی را در این مکان صرف کردند.

۵ روز تا پایان دوره

پس از صرف صبحانه، با خانواده شهدا به سمت بهشت رضا(ع) راهی شدم. در مسیر با مادر شهید فرشاد بنام گفت‌وگویی کوتاه داشتم. او بیان اینکه فرشاد فرزند سومم بود، گفت: شب پیش از شهادتش به من زنگ زد و گفت سربازی‌ام دارد تمام می‌شود، پنج روز دیگر برای پایان دوره می‌روم، بعد از گذراندن پایان دوره برمی‌گردم و برای گرفتن کارت پایان خدمتم اقدام می‌کنم. صبح روز بعد سر کار بودم که دیدم همه می‌گویند به بیت‌رهبری حمله کردند. آن موقع روی زمین نشستم و گفتم که بچه‌هایمان شهید شدند چراکه



همیشه به پسرم گفته بودم: «اگر جنگ شود، اولین جایی که می‌زنند یادگان شماست»، او هم در جواب می‌گفت: «نه مامان، تا جنگ شود، ما سربازی‌مان تمام شده و برمی‌گردیم، غصه نخور».

مادر شهید بنام ادامه داد: بیش از ۲۰۰ بار به تلفن همراه فرشاد زنگ زدیم، اما جواب نداد. به پسر بزرگم گفتم برو دنبال برادرت. او گفت: «احتمالاً آماده‌باش هستند، برای همین تلفنش را جواب نمی‌دهد». گفتم: «اگر شب جواب نمی‌داد، هر وقت می‌دید من به او زنگ زده‌ام، سریع به من زنگ می‌زد». پسرم گفت: «مادر، جنگ شده، راه‌ها بسته است».

افزود: از ۹ تا ۱۲ اسفند از وضعیت پسرم بی‌خبر بودیم تا اینکه دو‌ه‌ام اسفند سر کار بودم که پسر برادر شوهرم به من زنگ زد و گفت بیا خانه ما. همین را که گفتم، متوجه شدم پسرم شهید شده. گفتم: «چی شده؟ بگو که بتوانم مرخصی بگیرم». گفت: «فرشاد زخمی شده». گفتم: «حتماً شهید شده». بعد از آن کلی پرس‌وجو کردیم که مطمئن شویم، چرا که باور نمی‌کردیم فرشاد شهید شده باشد. بعدها متوجه شدیم فرشاد ۹ ساعت زیر آوار مانده بود و بعد از آنکه از زیر آوار بیرون آوردند، جراحات زیادی داشت. او را عمل جراحی هم کرده بودند، اما درنهایت به شهادت رسید.

مادران شهدا از رابطه صمیمی پسرانشان و از پاسداری آن‌ها

روایت طوس از «چهارشنبه‌های شهدایی» مرزبانی خراسان رضوی با حضور خانواده سه شهید جنگ رمضان

از مرزهای جنوبی کشور گفتند و متوجه شدم هنگام اصابت موشک، فرشاد در حال دیده‌بانی بوده و امیرمهدی و امید در حال استراحت بودند.

شهادت اتفاقی نیست

ماجرای آن‌جا جالب‌تر می‌شود که متوجه می‌شوم فرشاد در طول خدمت، به خاطر حرفه نانوائی که از ۱۳ سالگی آن را انتخاب کرده بود، در محل خدمتش نانوائی می‌کرده، اما سه ماه پیش از شهادتش، مکان خدمتش تغییر می‌کند. همان زمان هم از حادثه آتش‌سوزی اتوبوسی که با آن در حال آمدن به نیشابور بوده، جان سالم به‌در می‌برد؛ چراکه قسمت و روزی این سرباز وطن را خداندن شهادت مقدر کرده بود.

به بهشت رضا(ع) می‌رسیم و ابتدای ورود به قطعه شهدای گمنام، سرهنگ حسین سیفی، جانشین مرزبانی خراسان رضوی با هادیایی به استقبال خانواده شهدا می‌آید. در ادامه، پس از غبارروبی مزار شهدای گمنام توسط پدران شهدا، همراه با هم‌زمان شهدا که به استقبال پدران و مادران شهدا آمده‌اند، زیارت عاشورا را زمزمه می‌کنیم. در میان خواندن سطر به سطر که در آن یاد مصیبت اهل بیت(ع) می‌کنیم، اشک‌های مادر شهید قربانی، از سوز دل مهربان و مؤمن او خبر می‌دهد؛ دلی که با همه این مهربانی‌ها، رنجی عظیم را به دوش می‌کشد.

پس از قرائت زیارت عاشورا، قاب عکس شهدا به پدران‌شان اهدا می‌شود و این بار چشمان پدران شهداست که با دیدن عکس پسران جوان‌شان بارانی می‌شود؛ گویا هنوز باور نکرده‌اند که هفت ماه پیش، علی اکبر‌هایشان به دست آمریکایی تروریست و کودک‌کش به‌شهادت رسیدند. این رنج عظیمی را که بر دل این کوه‌های استوار نشسته، هیچ چیز نمی‌تواند جبران کند و بی‌شک باید آن دنیایی باشد که اجر و پاداش این صبری که جز افشردن جان نیست، به مادران و پدران شهدا داده شود.

شاید هیچ واژه‌ای نتواند عمق داغی را که بر دل این پدران و مادران نشسته روایت کند؛ داغی که با گذر زمان از میان نمی‌رود و تنها با صبر و ایمان می‌توان آن را به دوش کشید. اما در کنار این داغ، یک خواسته نیز در دل این خانواده‌ها زنده است؛ اینکه خون فرزندان‌شان بی‌پاسخ نماند و جنایت آمریکا علیه فرزندان این سرزمین با انتقام و پاسخ سخت همراه شود. شاید روزی فرا برسد که این پدران و مادران، در کنار قاب عکس فرزندان‌شان، ثمره این صبر را در اقتدار و انتقام ببینند؛ روزی که دشمن بداند خون جوانان این سرزمین، فروموش شدنی و بی‌پاسخ نیست.

جشنواره روز ملی روستا و عشایر؛ «گرامیداشت دهقان توس» در مشهد برگزار شد

فرهنگ کشور خوانند و افزود: عشایر نیز با تجربه و توان تولیدی خود، سرمایه‌ای ارزشمند برای ایران محسوب می‌شوند. بنابراین باید به روستا و عشایر نه به عنوان یک ثقل؛ بلکه به عنوان یک ظرفیت و فرصت نگریست.



خراسان جنوبی

اختصاص حدود ۲ همت اعتبار برای پروژه‌های سلامت استان

به‌طور جدی پیگیری خواهیم کرد تا دغدغه موجود در این زمینه برطرف شود.

هاشمی با تأکید بر ضرورت توسعه بخش خصوصی در حوزه سلامت استان اظهار کرد: موضوع ساخت بیمارستان خصوصی را باید به‌طور جدی پیگیری کنیم و تجربه استان‌های مختلف نشان می‌دهد وجود بیمارستان خصوصی در کنار بیمارستان دولتی می‌تواند زمینه حضور و ماندگاری متخصصان را فراهم کند.

محمود گنجی‌فرد، رئیس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با تأکید بر ضرورت تداوم روند تأمین و تکمیل تجهیزات حوزه سلامت بیان کرد: تجهیز حوزه سلامت یک فرایند مستمر است و برای انجام هر اقدامی در این حوزه، نیازمند تأمین زیرساخت و تجهیزات هستیم و عنوان این جلسه «اقدامات حوزه سلامت» انتخاب شده، نه «اقدامات دانشگاه علوم پزشکی»؛ چراکه دانشگاه علوم پزشکی بدون حمایت استانداری، نمایندگان مجلس و سایر دستگاه‌های اجرایی نمی‌تواند به تنهایی همه برنامه‌های خود را پیش ببرد.

پیام مردم @QudsKhorasan

- عرض سلام، مادر روستای همت آباد ۱۲کیلومتری فیض آباد مه‌ولات زندگی میکنیم. اینجا کلاس برای دهم و یازدهم ندارد. ۳۰ تا دانش آموز دختر هستند که باید چند تا ماشین در جاده خطرناک راه بیفتن به طرف فیض آباد مه‌ولات. از اداره آموزش و پرورش درخواست اتوبوس کردیم. میگن نداریم. جاده ما عرضش کم هست و چند تا تصادف شده. اگه امکانش هست برای اتوبوس پیگیری کنید.
- با سلام و عرض ادب و احترام خدمت دوستان رسانه که بدون سانسور حرف دل مردم رو به گوش مسئولین میرسانید. خداقت، آب شرب منطقه سیدی خیابان قائم(عج) واقعاً افتضاح هستش. اصلاً قابل استفاده برای خوردن و آشیزی و شستن ظروف نیست. بو و طعم خیلی بدی داره. انگار آب غیر شرب نوی شبکه هستش. خدا لعنت کنه کسانی رو که به مردم خیانت میکنن.
- سلام، آب آشامیدنی منطقه ما افتضاحه اینقدر که گچ و طعم بدی داره. اگه کاری از دستتون بر میاد ممنون ارتون که به گوش مسئول مربوطه برسونید، در پنتجن ۵۶.
- سلام، برای سهام عدالت متولدین ۹۵ باید کجا بریم چکار کنیم؟ الان میگن ۱۴۰۲ ثبت‌نام میکنن، مگه ۹۵سهام ندارن؟ 🤔
- وضعیت نامناسب آسفالت و کیفیتی کوچه هر روز بدتر از دیروزه. وقتی یک ماشین رد میشه هر چی آب کثیف هست میپاشه روی لباس‌های بچه‌ها. آشغال‌ها هم سر کوچه بوی کثافتشون ما رو دیونه کرد. حر ۱۳/۳۴ و ۱۳/۳۲ و ۱۳/رسیدگی کنید ممنونم میشم.



- سلام، وقت به‌خیر، چند وقت خط مسیر ۲ تا ساعت ۱۲ شب کار می‌کرد الان مدتی هست که برداشتن و این زمان نمیداد، ما سر کار میریم و شب ۱۰ به بعد میایم. الان هر زینه اسنپ چقدر میشه؟ لطفاً دوباره مسیر ۲ تا خواجه ربیع را بنذارید. لطفاً به مسئولین برسونید.
- سلام و درود، از یکشنبه ۱۲ مهر وضعیت آتند دهی و نت همراه اول در الهیه مشهد عجیب و غریب بد شده و روند سینوسی داره. قطع و وصل میشه. یک پیگیری بفرمایید لطفاً، ممنون.
- سلام، شهرک باهنر با جمعیت بیش از ۵۰هزار نفر فقط یک شعبه بانک صادرات داشت که اون هم جمع کرد و رفت و الان مردم محل با مشکلات فراوان همراه هستن.
- سلام، خسته نباشید، روستای دهشک در بلوار شاهنامه خط اتوبوس نداره. از مسیر روستا تا خیابان اصلی راه زیاد هست باید هر زینه را یادی بدیم تا بخوایم به ایستگاه اصلی برسیم. لطفاً تقاضا دارم پیگیر باشین.
- سلام، وقت به‌خیر، میخواستم به پیام تو کانال منتشر کنید. خاموشی‌های چاه‌های کشاورزی تا کی میخواد ادامه داشته باشه تا الان روزی ۴ یا ۵ ساعت هر روز برق رو قطع می‌کنند. در حالی که مسئولان در این رابطه به چیز دیگه میگی و از نظر اوق قطع برق تموم شده! ممنون از شما، شهرستان جغتای تقریباً از اواخر خردادماه همچنان قطع برق داریم.
- سلام، چرا خونه‌ای که خالی از سکنه بوده باید قبض برقش یک میلیون تومان بیاد و بعد که ساکن شدیم تصاعدی رفته بالا و شده یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان. شرکت برق هم پاسخگو نبوده باید چکار کنیم؟ کجا بگیریم؟ با حقوق کارگری این قبض‌ها رو کجای دلمون بنذاریم؟ سلام، لطفاً این پیام من رو به گوش مسئولین برسونید. از موقعی که دخترم ازدواج کرده دهک ما بالاتر رفته. دهک ۳ بودیم شدیم ۴، آخه چرا به چه دلیل؟ هم یا رانفمون کم شده هم این که سید کالای دخترم که پنج ماهه ازدواج کرده رو قطع کردن. چرا؟ به کافی نت و هر جارتفیم میگن اطلاع نداریم. خواهشمندم رسیدگی بشه، ممنون.
- با سلام و خسته نباشید، کمترین آدمایی که تو این دنیا حقوق میگیرن همین خانواده‌های تحت پوشش کمیته امدادن. چرا اینقدر حقوقشان کمه؟ ما چه گناهی کردیم که بی‌سرپرست شدیم؟ آخه با ۳ میلیون تومان در برج میخوایم با این گرونی‌ها چکار کنیم؟ به گوش مسئولین برسونید. 🙏🙏🙏
- سلام، آب مشهد، سرافرازان ۱۸ خیلی خیلی گچ داره و خیلی شوره. من بخاطر همین آب الان سنگ کلیه دارم. لطفاً رسیدگی شود.
- سلام، مشکل خانه‌های مسکن ملی ملک آباد را به گوش مسئولین برسانید. کی میخوان به فکر آبادانی اونجا باشن؟ قرار شده زیرسازی و جدول‌بندی رو اجرا کنن. به کانال هست پر از خاک و خاشاک، اگر سیل بیاد با میچاره میشییم. از الان و قبل از هر حادثه‌ای اقدام به پاک‌سازی اون کانال کنن. چرا به فکر مردم محروم نیستن؟
- سلام، پنجتن ۵۵ جای ساختمان‌های ابرار خیابان خیلی شلوغیه بدون هیچ دست‌اندازی با پل عابری، در صورتی که آن طرف خیابان هم مدرسه ابتدایی دو شیفست پسرانه و دخترانه و هم هنرستان و چند تا مهد کودک هست. باید با استرس و ترس از خیابان عبور کنیم. بچه‌ها که اصلاً نمیتونن عبور کنن. خیلی شلوغه و با سرعت میان ماشین‌ها، اگه میشه مسئولین یک فکری بکنند، پل عابر برزنن چون واقعاً خطرناک هست. ممنون از شما، حتی میتونید بایبید نگاه کنید ساعت ۱۲ و نیم ظهرو ۵ بعدازظهر خیلی شلوغه، همه هم بچه هستن با خیابان بسیار شلوغ، خیلی جاها همه محله پیام گذاشتیم ولی هیچ کسی گوش نکرده.
- سلام، ممنون از تریبون مردمی قدس، گلابیه‌ای از ون‌های خط ۴۸ دارم. خیلی کند و دیر میان، جمعیت زیاد میشه، ایستگاه میثم شمالی چهار هم کنارش سطل زباله هست که تا اوامدن ون کلی بوی تعفن، پشه و مگس مسافرها رو آزار میده.

پاسخ دهیار روستای سرکاریز به گلایه مخاطب قدس در خصوص عدم آسفالت‌کشی برخی معابر و کوچه‌های این روستا

با سلام، به اطلاع می‌رساند معابر اصلی این روستا آسفالت‌کشی شده‌اند و پروژه آسفالت معابر فرعی نیز با تأمین بودجه انجام خواهد شد.

